

مالک يوم الدين

حقيقت بزرگى به نام قيامت



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور پیامبران حضرت محمد ص و اهل بیت طاهرینش.

بزرگترین و مهم ترین حادثه برای هر انسانی، بعد از تولد و مرگ، زنده شدن دوباره در روز قیامت می
إِنَّ زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ¹ باشد. که در این رابطه قران کریم می فرماید:

حقیقتا زلزله قیامت امر عظیمی است

وقتی خدا قیامت را چیز عظیمی معرفی کرده است و در جاهای مختلف قران کریم، جزئیات آن را تبیین فرموده است بر همه ما لازم است که با قیامت بیشتر آشنا شویم و خود را برای این حادثه عظیم، آماده کنیم.

لذا یکی از ویژگیهای مومن این است که از قیامت خوف و هراس دارد

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ²

هم آنان که در پنهانی [و خلوت] از پروردگارشان می ترسند، و از قیامت در اضطراب و هراسند

و باز می فرماید: **رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ**

الزَّكَاةِ³ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ نور ﴿٣٧﴾

انسان هایی [شایسته] که تجارت و دادوستد از یاد خدا و خواندن نماز و پرداخت زکات بازشان نمی

دارد، پیوسته از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیرورو می شود می ترسند «37»

شناخت قیامت در زندگی انسان آثار بسیار خوبی دارد و باعث می شود که انسان دنیا طلب نباشد. به دیگران ظلم نکند. مواظب کارهایش باشد و انها را کنترل نماید و بی خیال نشود و...

¹ حج 1

² انبیاء 49

لذا در این کتاب به ابعاد مختلف قیامت پرداخته شده است امید است قدم کوچکی در معرفی قامت برداشته باشیم.

تابستان 96- کرمانشاه

ترس از قیامت از ویژگی های اولیاء خدا

1- درباره حضرت یحیی نقل می کنند اگر کسی درباره قیامت صحبت می کرد ناله یحیی بلند میشد و گریه سر می داد و سر به بیابانها می گذاشت

2- درباره اهل بیت علیهم السلام در سوره هل اتی آمده است که:

/يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا/////////إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا غَمُّوسًا قَمَطَرِ 6

به نذرشان وفا می کنند و از روزی که شرش فراگیر است می ترسند...و می گویند: ما از خدایمان
درباره روزی که همه عبوس و ناراحتند و روز سختی است می ترسیم.

3- چرا مردم مدینه تا صبح گریه کردند؟

نقل است وقتی آیات اول سوره حج نازل شد، پیامبر لب بازگشود و این دو آیه را برای آنان تلاوت
فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ
كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

((ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، چرا که زلزله [سخت] رستاخیز چیزی سهمگین است. روزی
که آن [رویداد هراس انگیز] را می بینید، هر زن شیردهنده ای، آن [کودکی] را که شیر می دهد، [از
شدت هراس] از یاد می برد، و هر زن بارداری بار خویشتن را فرو می نهد، و مردم را [بسان] مستانی
[بیگانه از خرد و اندیشه] بنگری در حالی که آنان مست نیستند، اما عذاب [هول انگیز] خدا سخت [و
وصف ناپذیر] است)). آری، پیامبر این دو آیه تکان دهنده را بر مردم خواند و صدای گریه مجاهدان
بود که در آن دل شب و آن دشت خسته و سوزان طنین افکند. آن شب مردم آن قدر گریه کردند و
باران اشک از آسمان دیدگان بر دامان خویش فرو باراندند و ضجه زدند که به یادماندنی و بی سابقه
بود، و بامداد آن شب به گونه ای از دنیا و ارزش های مادی دل ها گسسته و به زندگی بی رغبت شده
بودند که کسی نه دل داشت تا زین بر روی مرکب نهد و نه بردارد و نه کسی انگیزه ای برای

برافراشتن خیمه و چادر داشت. بله گروهی در اندوه فرو رفته بودند و گروهی می‌نگریستند و دسته‌ای دیگر در اندیشه رستاخیز و آن روز هراس‌انگیز بودند^۳

4- چرا ملائکه از روز جمعه هراس دارند؟

و در روایتی است که نیست فرشته مقربی و نه آسمانی و نه زمینی و نه نسیمی و نه بادی و نه کوهی و نه صحرایی و نه دریائی؛ مگر اینکه بترسند از روز جمعه برای آنکه قیامت در آن بر پا می‌شود^۴

5- جبرئیل از ترس خود را به پیامبر چسباند!

علی بن ابراهیم قمی (رحمه الله) از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده که در زمانی، حضرت رسول صلی الله علیه و آله نشسته بود و جبرئیل نزد آن حضرت بود که ناگاه نظر جبرئیل به جانب آسمان افتاد و ترسی بر وجودش مستولی شد؛ پس خود را به رسول خدا چسبانید و به حضرت پناه برد. پس حضرت رسول به آنجا که جبرئیل نظرش افتاده بود، نظر افکند، فرشته‌ای را دید که مشرق و مغرب را پر کرده بود. پس آن فرشته رو به پیغمبر کرد و گفت یا محمد! من فرستاده خدایم تا تو را خبر دهم که یا پادشاهی را اختیار کنی یا پیامبری را؟ پس حضرت به سوی جبرئیل توجه کرد، دید که آثار نگرانی از چهره جبرائیل رخت بر بسته. جبرئیل عرض کرد: بهتر است که پیام آور و بنده او باشید. پس پیغمبر گفت: می‌خواهم بنده و رسول خدا باشم. پس آن فرشته با گامهای خود آسمانهای هفتگانه را درنوردید.

^۳ منازل الاخره
^۴ کتاب منازل الاخره

هر آسمان را یک گام خود کرد و هر چه بالا رفت کوچک تر شد تا آنکه به اندازه مرغ کوچکی شد. پس حضرت به جبرائیل فرمود: دیدم طوری ترسیده بودی که رنگت تغییر کرده بود؟ جبرائیل گفت: یا رسول الله مرا ملامت مفرما. آیا دانستید که این فرشته که بود؟ این اسرافیل "حاجب الرب" . بود و از زمانی که حق تعالی آسمانها و زمین را خلق فرموده از مکان خود پائین نیامده من او را دیدم که به سوی زمین می آید، گمان کردم که برای بر پا کردن قیامت آمده است پس از ترس قیامت، رنگم چنان تغییر کرد که مشاهده فرمودید. پس چون دیدم که برای امر قیامت نیامده بلکه حق تعالی چون شما را برگزیده و به خاطر عظمت شما او را به نزد شما فرستاده، رنگم به حال . اول برگشت و نفسم به سوی من برگشت^۵

6- چرا جبرئیل از ترس بیهوش شد؟

قطب راوندی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که حضرت عیسی (علیه السلام) از جبرئیل پرسید: کی قیامت بر پا خواهد شد؟ جبرئیل چون اسم قیامت شنید به لرزه افتاد و از هوش رفت؛ پس چون به حال آمد گفت ای روح خدا، مسئول بساط قیامت، عالمتر از پرسشگر نیست، سپس آیه شریفه ای (۶) را که ذکر شد خواند^۷

7- پیامبر با شنیدن نام قیامت رنگ به رنگ می شد

و روایت شده که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله قیامت را یاد می نمود، صدای آن حضرت شدید و رخسار آن حضرت سرخ می شد^۸.

^۵ کتاب منازل الاخره

خداوند در وصف قیامت در سوره اعراف آیه 187 می فرماید: هُوَ تَقْلُتُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَعْنِي فرارسیدن قیامت در (بر اهل) آسمانها و زمین، سنگین و دشوار و گران است، فرا نرسد شما را مگر به یکباره و ناگاه و بدون آنکه شما را خبر دهد^۶

^۷ تفسیر قمی/ج 2/ص 27
قصص الانبياء/ص 270

^۸ تفسیر قمی/ج 2/ص 27

8- پهلوانی که با شنیدن عظمت قیامت ، دچار تحول شد!

شیخ مفید در ارشاد نقل کرده که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله از غزوه تبوک به مدین مراجعت فرمود، ((عمر و بن معدی کرب)) به خدمت آنحضرت شرفیاب شد، حضرت به او فرمود: اسلام بیاور ای عمرو تا خدا تو را از فزع اکبر و بیچارگی بزرگ نجات بخشیده و ایمن گرداند یعنی ترسی که بزرگترین ترسهاست. عمرو گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله فزع اکبر کدام است؛ من کسی هستم که نمی ترسم

شیخ عباس قمی (ره) گوید: معلوم می شود عمرو بن معدی کرب، مردی دلیر و شجاع بوده است؛ نقل شده که او از شجاعان نامی روزگار بوده و بسیاری از فتوحات مسلمان به دست او واقع شده و شمشیر او به صمصامه معروف بود، که با آن، به یک ضربت، پاهای شتر را از هم جدا می کرد و عمر بن الخطاب در زمان خلافت خود از او خواهش کرد که آن شمشیر را نشان او دهد، عمرو آن را حاضر کرد. عمر آن را کشید و بر محلی زد که تیزی آنرا امتحان کند ادا اثر نکرد. عمر آن را دور افکند و گفت: این چیزی نیست. عمرو گفت: ای امیر؛ شما از من شمشیر طلبیدید نه بازویی که با آن شمشیر می زد. عمر از سخن عمرو بدش آمد و او را سرزنش کرد و به قولی او را بزد و (صد البته که عمر مردی خشن و تلخ رو بود و در بسیاری از موارد از پیامبر می خواست تا مردمان را با شمشیر بکشد و پیامبر مانع او می شد

و چون عمرو گفت من از فزع اکبر و بیچارگی و دلهره بزرگ قیامت نمی ترسم، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمرو؛ چنین نیست که گمان کرده ای؛ همانا صیحه ای بلند خواهد شد که مرده ای نماند، مگر آنکه زنده شود و نماند زنده ای مگر آنکه بمیرد، مگر آنها که خدا بخواهد نمیرند. پس یک صیحه دیگر بر ایشان زده می شود که همه زنده می شوند و صف می کشند و آسمان شکافته می شود و کوهها متلاشی و پراکنده می شوند و پاره هایی از آتش جهنم جدا شود و

کوه ها افکنده شود؛ پس نماند صاحب روحی مگر آنکه دلش کنده شود و گناهش را یاد کند و مشغول به خود شود، مگر کسانی که خدا خواسته باشد (که چنین نشود) نوشته اند که فرمود: پس کجایی تو ای عمرو؟ عمرو گفت: همانا من می شنوم امری را که عظیم و بزرگ است^۹

9- چرا موی سر بعضی از مرده ها سفید می شود؟

از روایات بر می آید که به حدی قیامت هولناک و دهشتناک است که اموات و مردگان در عالم برزخ و قبر نیز هول و تکان و بیم و وحشت آن را دارند، به نحوی که بعضی از مردگان که به دعای اولیاء خدا زنده شده اند موهایشان تمام سفید بوده . سبب سپیدی موی آنها را پرسیدند، گفتند وقتی که ما را به زنده شدن امر کردند گمان کردیم که قیامت بر پا شده و از وحشت و هول قیامت تمامی موهای ما سپید شد.^{۱۰}

مردم همه در آن روز مستند!

يَوْمَ تَرَوْنها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرى النَّاسَ سُكَارَى وَ ما هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (حج / 2)؛ هنگامه روز قیامت چنان است که مشاهده می کنید، هر زن شیرده از هول، طفل خود را فراموش می کند و هر آبستن بار رحم را بیفکند و در آن روز مردم را از وحشت بی خود و مست بنگری، در صورتی که مست نیستند و لکن عذاب خداوند سخت است.

((چنان که شنیده شد هنگام آتش سوزی چادرهای حاجیان در عرفات مادری هنگام دویدن دست کودکش را رها کرد و بعد از مدتی از وحشت و گرمای شعله ها نوزاد در آغوش گرفته اش را نیز رها ... کرد و خود را به مکان امن رسانید))

10- وقتی در قیامت چشم پیامبران به شعله های سرکش جهنم می افتد همه از ترس به زانو می افتند

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در بیان شدت و خروش و لهیب جهنم می فرمایند:

«ولو زفرت جهنم زفرة لم يبق ملك مقرب ولا نبي مرسل الا خرّ جاثياً على ركبتيه؛ يقول: رب نفسي»
«و نفسی، حتی ینسی ابراهیم اسحق یقول: یا ربّ انا خلیلک ابراهیم فلا تنسني
و اگر جهنم به خروش آید، هیچ ملک مقرب و پیغمبر مرسلی نمی ماند مگر اینکه به زانو در می افتد
و می گوید: پروردگارا؛ نجاتم ده، نجاتم ده. حتی ابراهیم فرزندش، اسحاق، را از یاد می برد و می
.گوید: پروردگارا؛ من خلیل تو ابراهیم هستم، فراموشم نکن»¹¹

11- حالات محدث قمی

محدث قمی در هنگام تلاوت قرآن، وقتی به آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جن و انس را نیافریدم مگر برای عبادت» می رسید، لرزه بر اندامش می افتاد و می فرمود: «وا أسفا! چقدر غافلیم و چه اندازه از خدا دور افتاده ایم، در حالی که عبادت و پرستش او، هدف از آفرینش جن و انس بوده است».

و چرا ما از آن هدف مبارک دور افتاده باشیم؟ و این ورد زبان ایشان بود و هر جا که منبر می رفت و موعظه می کرد، فلسفه آفرینش موجودات و انسان را یادآوری می کرد و می گفت: «فراموش نکنید». که عبادت خدا هدف خلقت است

فرزند ایشان - مرحوم حجة الاسلام آقای حاج میرزا علی محدث زاده - نقل کرده است: «پدرم شب جمعه ای پس از نماز شب، در نجف اشرف مشغول خواندن سوره «یس» می شود. وقتی که به آیه شریفه «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» می رسد، چند بار آن را تکرار کرده و مکرراً می گوید: «اعوذُ بِاللّهِ مِنَ النَّارِ = پناه می برم به خداوند از آتش جهنم» و چنان منقلب می شود که نمی تواند بقیه سوره را بخواند و به همان حال باقی می ماند تا هنگام اذان صبح که مشغول نماز صبح می شود

¹¹ منازل الاخره

12- در بازار آهنگران

امام صادق (ص) فرموده است: سلمان فارسی از بازار آهنگران کوفه عبور می کرد، ناگاه جمعیت زیادی که اجتماع کرده بودند، توجه او را به خود جلب نمود.

سلمان نزدیک رفت و متوجه شد، جوانی غش کرده و افرادی دور او جمع شده اند. افراد با مشاهده سلمان گفتند: ای ابو عبدالله! این جوان غش کرده، مناسب است برای شفای او، دعایی در گوش او بخوانی.

سلمان کنار جوان رفت (با دست خود به او حرکتی داد، جوان چشم خود را باز کرد و اندکی بهبودی یافت) اما سلمان را مخاطب قرار داد و گفت: ای ابو عبدالله! من عارضه ای ندارم، اینان درباره من اشتباه کرده اند، بلکه من گرفتار انقلاب روحی شده ام، چون وقتی از بازار آهنگران عبور می کردم، چشمم به آهنگرانی افتاد، که قطعه آهن گداخته ای را روی سندان گذاشته، و چند نفر با پتک بر آن می کوبیدند. با مشاهده این صحنه به یاد سخن خداوند افتادم، که در قرآن فرموده است: ماموران (عذاب الهی) گرزهای آهنین (بر سر دوزخیان فرود می آورند)⁽²⁾.

آری، ای سلمان! با دیدن این صحنه به یاد عذاب الهی افتادم و از ترس عقل از سرم رفت.

سلمان، از آن به بعد این جوان مؤمن را، برادر خود قرار داد، و از اینکه وی دارای چنین مقام معنوی بود، محبت او در قلب سلمان جای گرفت، و پیوسته با او معاشرت داشت، تا این که جوان بیمار شد و در بستر مرگ قرار گرفت.

سلمان وقتی از بیماری جوان با خبر شد، کنار او حاضر گردید و بالای سر او نشست، اما مشاهده کرد، جوان در حال جان دادن است، بدین جهت به مامور قبض روح گفت: ای ملک الموت! با برادر من مهربان باش، و با راحتی با او رفتار کن. ملک الموت هم پاسخ داد: ای ابو عبدالله! من با هر شخص

مؤمنی رفیق می شوم، با او مدارا می کنم، و با راحتی جان او را می گیرم⁽³⁾ و بدین ترتیب رفیق مؤمن سلمان، به راحتی جان به جان آفرین تسلیم کرد.

13- روزی جبرئیل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: می خواهید کیفیت قیامت را ببینید؟

فرمود بلی. حضرت را به قبرستان بقیع آورد. پا را به قبری زد و گفت: برخیز به اذن پروردگار

. شخصی نورانی، خوش و خرم سر از قبر به در آورد و گفت: الحمد لله الذی صدقنا وعده

. بعد پا به قبر دیگری زد و گفت: قم باذن الله

! شخص بد هیکلی با منظره موحشی بیرون جست و گفت: واحسرتا

. (جبرئیل عرض کرد: این طور، مؤمنین و کفار سر از قبر بیرون می آورند

در روایات دارد که: مؤمنین در برزخ از پروردگار عالم می خواهند که قیامت زودتر بر پا شود؛ چون نمونه لذت را چشیده و پی اصلش می گردند) از آن طرف کفار و فساق می گویند: خدایا! ما را همین جا نگهدار؛ چون نمونه کمی از عذاب را دیده اند

14- عده ای از مردم بصورت غیر انسان محشور می شوند!

شکلهای گوناگون در محشر

۱۲) یوم ینفخ فی الصور فتأتون أفواجا

در تفسیر مجمع البیان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مروی است
وقتی که معاذ از معنای این آیه: یوم ینفخ فی الصور فتأتون أفواجا پرسید: روز قیامت که صور دمیده
می شود دسته دسته می آید؛ یعنی چه؟

حضرت فرمود: ای معاذ! مطلب بزرگی را پرسش نمودی، پس اشک در چشم مبارک بگردانید و
فرمود: امت من در روز قیامت ده صنف می شوند که البته خداوند این ده صنف را از جمله مسلمین
جدا می کند و صورتشان را تغییر می دهد؛ عده ای به شکل میمون و بعضی به صورت خوک و پاره
ای دست و پا بریده، برخی کور و گروهی گنگ و کردند و طایفه ای وارد محشر می شوند در حالی
که زبانشان را می جووند و چرک از دهان آنها بیرون می آید و اهل محشر از گند آنها در زحمت اند
و عده ای وارونه سرنگون وارد محشر می شوند و به همان حال آنها را به عذاب می برند و عده ای به
شاخه ای از آتش آویخته شده اند و دسته ای بوی گند آنها از مردار بیشتر است و دسته دیگر جبه
هایی که از قطران است بر آنها پوشانیده باشند که چسبیده باشد به پوستهایشان

پرسیدند: اینها چه کسانی هستند؟

فرمود: آن کسی که به صورت میمون وارد محشر می شود، نمام است؛ یعنی سخن چین و آن کسی
است که میان دو نفر را بهم می زند و سخن هر یک را که درباره دیگر گفته، برای او خبر برد
آن که به شکل خوک می آید، خورنده حرام است؛ کسی است که مثلاً در کسبش کم فروشی
کرده، غش در معامله کرده، مال مردم را خورده است. و آن که سرنگون است کسی که رباخواری
کرده است.

آن کس که زبانش را می جود و چرک از دهانش بیرون می آید عالم بی عمل می باشد؛ هر عالمی
است که کردارش غیر از گفتارش باشد؛ خوب موعظه می کند؛ اما در عمل به گل فرو رفته، دیگران
از سخنانش بهره برده اند؛ اما خود بدبختش بی عمل بوده، این است که زبانش را می جود و حسرت
می خورد

آن که دست و پا بریده وارد محشر می شود، آزار رساننده به همسایه است

(فرمود:) آن کسی که کور وارد محشر می شود، حاکم جور و ناحق است که حکم به ناحق کرده و اما گنگ و کر، آنهایی هستند که خود پسندند؛ یعنی عجب دارند؛ هر خود پسند خودخواهی، کر و گنگ، وارد محشر می شود

و آن را که به شاخه ای از آتش می بندند، کسانی هستند که در دنیا نمایی و سعایت می کردند نزد سلاطین و اسباب زحمت مردم و آزار رساندن به آنها را فراهم می کردند و آنهایی که از مردار گندترند؛ کسانی هستند که از شهوات و لذت های حرام برخوردار بودند و حق واجب الهی را که در مال آنها بود، نمی دادند و آنهایی که جبه های آتشین بر آنها پوشیده می شده،⁽¹³⁾ پس تکبر کنندگان و فخر و ناز کنندگانند

15-محدث فیض در عین الیقین این طور نقل می فرماید که: وقتی شرابخوار وارد محشر می شود، شیشه شرابی به گردنش آویزان و قدح شرابی به دستش چسبیده و بوی گندی از او بلند است که از هر مرداری گندتر است و همه او را می شناسند که شرابخوار بوده است و هر کس بر او بگذرد، او

را لعنت کند؛ چنانچه آنها که اهل طربند تار و طنبورشان به دستشان چسبیده و بر سر آنها می خورد،

.

در کتاب لثالی الأخبار از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مروی است که فرمود می آید شارب الخمر در قیامت در حالی که صورتش سیاه، چشمانش ازرق، لبهایش آویزان، لعاب دهانش بر سینه تا قدمش ریزان و هر که بر او بگذرد، از بوی گندش در اذیت و زبانش از دهن بیرون

14). افتاده است

و نیز فرموده: قسم به خدایی که مرا مبعوث فرموده، شرابخوار تشنه بمیرد و تشنه در قبر می رود و تشنه محشور می شود و هزار سال از تشنگی ناله می کند، پس از آن از حمیم جهنم به او می خوراند 15).

رباخوار که از قبر در می آورد، شکمش آنقدر بزرگ می شود که روی زمین می کشد. می خواهد بلند شود، نمی تواند. سرش را پایین انداخته و همه او را می شناسند که رباخوار است. اگر اهل تار و طنبور است، آلت موسیقی همراهش است. در کتاب انوار نعمانیه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود

صاحب طنبور رو سیاه محشور می شود و به دستش طنبوری است از آتش که بر سرش می خورد. هفتاد هزار ملک عذاب هستند که بر سر و صورتش می زنند و صاحب غنا (آوازه خوان) و صاحب مزمار و دف، کور و کر و گنگ محشور می شود

و نیز روایت کرده: کسانی که با مردم دو زبانی بودند؛ یعنی در حضور خلق جوری حرف می زدند و در پشت سر طور دیگر، اینها در قیامت دو زبان از آتش دارند و کسانی که به زبان خود، مردم آزار 16). بودند، زبانهای آنها از پشت سرشان بیرون است

گروهی هم مانند مور، ضعیف و ناتوان و زیر دست و پا له هستند؛ اینها متکبرانند که در دنیا به مردم بزرگی می فروختند. از بوی چرکی که از عورت زناکاران برخاسته می شود، اهل محشر ناله می کنند بلکه ظاهر روایات این طور است که هر ملکه رذیله، خلق زشتی و عادت به گناهی، شکل خاصی و هیبت و صورت مناسبی با آن گناه به صاحب خود خواهد داد که به آن صورت، گناه او شناخته خواهد شد

14. لئالی الأخبار: 209/5

15. همان

16. انوارنعمانیه: 25/3

16- خواب عجیب پیامبر

رسول خدا(ص) فرمود: دیشب عجایی را در خواب دیدم! از جمله

دیدم مردی از امت مرا خواستند 7 عذاب کنند ولی وضوء آمد و مانع عذابش شد! دیدم شیاطین، مردی از امت مرا دچار وحشت کردند ولی

ذکر خدا آمد و او را نجات داد! دیدم مردی از امت را که مأمورین عذاب به سراغش آمدند ولی نماز آمد و مانع شد! دیدم مردی از امت دچار تشنگی و عطش بود و هرگاه می خواست آب بنوشد، مانع می شدند ولی روزه رمضان آمد و او را سیراب کرد! دیدم مردی از امت را که می خواست به گروه پیامبران، که حلقه وار نشست بودند، پیوند دهد، ولی نمی گذاشتند. اما غسل جنابت آمد و دست او را گرفت و در کنارم نشان داد! دیدم

مردی از امت را که مقابل پشت سر و سمت راست و چپ و پائینش، تاریک است و او در تاریکی واقع شده بود. ولی حج و عمره آمد و او را از تاریکی در آورد و نور کرد! دیدم مردی از امت، با مؤمنین صحبت می کرد. ولی آنها با او حرف نمی زدند! ناگاه صله رحم آمد و گفت: ای

مؤمنین! با او سخن بگوید که او صله رحم می نمود. آنها با او سخن گفتند و با او دست دادند! دیدم مردی از امت را که دست و صورت خود را از آتش دور می کرد. تا اینکه صدقه آمد و سایه بر سرش و پرده بر صورتش شد! دیدم مردی از امت را که زبانه آتش از هر طرف، او را گرفته بود. ولی امر بمعروف و نهی از منکر آمدند و او را خلاص کردند با ملائکه رحمت قرار دادند! دیدم مردی از امت را که نشسته بود و بین او و رحمت الهی، مانع قرار داشت. ولی خوش اخلاقش آمد و دست او را گرفت و وارد رحمت الهی نمود! دیدم مردی از امت را که نامه عملش به دست چپ بود. ولی خوف او از خدا آمد و نامه عملش را بدست راستش داد! دیدم مردی از امت را که بر لبه جهنم ایستاده بود. ولی امیدش به خدا آمد و او را نجات داد! دیدم مردی از امت در آتش افتاد ولی اشکهایی که از ترس خدا ریخته بود آمد و او را از آتش در آورد! دیدم مردی از امت بر پل صراط می لرزید. ولی حسن ظنش به خدا آمد

ولرزشش بر طرف شد و از صراط عبور کرد! دیدم مردی از امتم بر صراط است و گاهی بر سین اش و گاهی بر دست و پایش می رود و گاهی معلق می شود. ولی صلوات او بر مت آمد و او را بر پایش ایستاند و از صراط عبورش داد! دیدم مردی از امتم بر در بهشت است ولی در بهشت بسته بود. تا اینکه شهادت لا اله الا الله آمد و درها را باز کردند و او وارد بهشت شد! //

17- همه از هول قیامت به پیامبر اسلام پناه می برند.....

وقتی روز قیامت برپا می شود و شرایط برای تمام مردم دشوار می شود، پیامبر خدا (ص)، توسط امام علی (ع) به حضرت فاطمه (س) پیغام می دهد تا برای شفاعت حاضر شود. علی (ع) به فاطمه (س) می گوید: ای فاطمه! از اسباب شفاعت چه چیزی نزد توست و برای امروزی که سخت ترین روز است، چه چیزی ذخیره کردی؟! فاطمه (س) پاسخ می دهد: ای امیر مؤمنان! در جایگاه شفاعت، تنها دو دست قطع شده فرزندم عباس برای ما کافی است¹⁷.

18- ایه سوره زمر که می گویند متقین را به زور بهشت می کشانند

حضرت آیت الله شیخ بشیر نجفی از مراجع تقلید نجف اشرف در جمع طلاب حوزه علمیه نجف با ذکر نکته ای زیبا از اثرات محبت اهل بیت (ع) گفت: چند سالی بود که معنی و تفسیر آیه ۷۳ سوره زمر، «وَسَيَقُولُ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» یعنی مومنان را به سمت بهشت می کشند، مرا به خود مشغول کرده بود. وی افزود: از خود پرسیدم در این آیه چرا گفته شده به سمت بهشت می کشند. تمام کتب و تفاسیر مختلف را دیدم و نتیجه ای حاصل نشد تا اینکه به روایتی از امام صادق (ع) در بحار الانوار برخورد کردم که می فرمایند «مومنان و دوستان سید الشهدا (ع) در روز حساب از خدا می خواهند قبل از ورود به بهشت مولایشان حسین را ملاقات کنند». این مرجع تقلید تصریح کرد: در ادامه این روایت آمده است که «امام به دیدار محبان می آید، این ملاقات بسیار طولانی می شود». امام صادق می فرمایند که هر دو طرف غرق تماشا هستند و هیچکدام چشم بر نمی دارند نه امام، محبان خود را رها می کند نه دوستان، سیدالشهدا (ع) از مولای خود دل می برند.

حضرت آیت الله نجفی گفت: در این روایت بود که تفسیر آیه ۷۳ سوره زمر را متوجه شدم. ملاقات میان امام حسین (ع) و محبانش آنقدر طولانی می شود که خداوند به ماموران بهشت می فرماید این مومنان و دوستان حسینیم (ع) را به طرف بهشت بکشید تا ملاقات پایان یابد. و این نشان از ... زیبایی محبت امام حسین (ع) در قلوب محبان آن حضرت است.

19- زن زیبا در قیامت!

امام صادق (ع): روز قیامت، زن زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می کرده است، می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: خدایا! تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت مریم (س) از تو زیبا تر بود ولی او فتنه نکرد! سپس مرد زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می نموده است، رامی آورند و به او خطاب می شود که

دربندی، أسرار الشهادة، ص 339¹⁷

چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت یوسف از تو زیبا تر بود. ولی به فتنه نیافتاد. بعد شخصی را که بخاطر بلاها و سختیها به فتنه افتاده بود را می آورند. به او خطاب می شود که: چرا تحمل سختیها ننمودی و به فتنه افتادی؟ جواب می دهد که: تو سختیها و بلاها را بر من نازل کردی و من به فتنه افتادم! به او خطاب می شود که: بلاهای حضرت ایوب (ع) از تو بیشتر بود ولی او به فتنه نیافتاد.

20- خدا از فقرا معذرت... فقرا بدون حساب در بهشت می روند. فقراء در را می کوبند!

امام صادق (ع): روز قیامت عده ای بطرف بهشت رفته و درهای آنرا می کوبند! به آنها گفته می شود: شما کیستید؟ جواب می دهند: ما فقراء هستیم! به آنها می گویند: اول بروید حساب پس بدهید! جواب می دهند: شما چیزی بمانداید تا حساب آن را از ما بکشید! خداوند عزوجل می فرماید: راست گفتند! آنها را به بهشت داخل کنید.

...

21- حدیث روح الله...

22- سه روایت مهم از امام صادق (ع)

1- کسیکه پول دارد ولی به حج نمی رود، روز قیامت، کور محشور می شود-1

اگر مؤمنی به شخصی درباره چیزی که نیاز دارد، مراجعه کند و-2

آن شخص در حالیکه خود و یا با واسطه می تواند که رفع احتیاج او نماید ولی جواب رد بدهد، روز قیامت با صورتی سیاه و چشمانی برگشته و

:دستهایش زنجیر شده به گردن، محشور می شود و به او گفته می شود

این خائنی است که به خدا و رسولش، خیانت کرده است! سپس امر می
شود که به جهنم انداخته شود

هر کسی که حق مؤمنی را ندهد، خداوند او را پانصد سال بر پایش نگه می دارد، بطوریکه عرق -3
و خونس جاری شود و منادی ندا کند: این ظالمی است که حق مؤمنی را ضایع کرده است! و بعد از چهل
روز توبیخ، به جهنم برده می شود

23- همه چشم ها گریان غیر از....

24-

رؤسا!

رسول خدا(ص): هر کسی که در دنیا مسئول و رئیس باشد، اگر چه برده نفر، روز قیامت
در حالیکه دستهایش به گردنش بسته شده محشور می
شود! سپس اگر آدم نیکوکاری بود، آزاد می شود و اگر ظلمی کرده باشد،
بر زنجیرهایش افزوده می شود!

25- رسول خدا(ص): «آیا می دانید که مفلس کیست؟ گفتند: مفلس کسیست
که درهم و دینار ندارد! فرمود: مفلس امت من، شخصی است که نماز و روزه
دارد ولی روز قیامت در حالی محشور می شود که -در دنیا-

به کسی دشنام داده و یا حق دیگری را ضایع نموده و یا به مال دیگری
تجاوز نموده است! برای جبران از حسناتش بر می دارند و به این و آن می
دهند و چنانچه حسناتش کم باشد، از گناهان صاحبان حق، به حساب او
می گذارند، سپس او را در آتش می اندازند.»

رسول خدا(ص): هنگامیکه مؤمن از قبر محشور می شود، هیكلی شبیه خودش، جلو او قدم می گذارد و هر کجا مؤمن دچار ترس و هراس های قیامت می شود، آن هیكل به او دلداری می دهد و می گوید: ترس!

و ناراحت نباش! و بشارت باد بر تو به خوشحالی و کرامت خدا! تا اینکه

مؤمن حساب آسانی پس می دهد و امر به رفتن به بهشت می شود و در تمام این مراحل او با این شخص است. وقتی مؤمن می خواهد داخل بهشت شود، به آن هیكل می گوید: تو خوب شخصی هستی که همراهم از قبر خارج شدی و به من بشارت دادی تا اینکه براحتی به بهشت رسیدم. تو کیستی؟ می گوید: من همان شادی هستم که در دنیا، در دل برادر مؤمنان وارد نمودی! خدا مرا خلق کرد تا بتو آرامش و بشارت بدهم!

چرا مریض شدم نیامدی؟

صادقین(ع): خداوند، روز قیامت از مؤمن حساب آسانی می کشد. سپس او را عتاب می کند که چرا وقتی مریض شدم، به عیادت نیامدی؟ مؤمن می گوید: تو پروردگار و من بنده ام! تو حیی هستی و دچار درد و ناراحتی نمی شوی! خدا می فرماید: هر که مؤمنی را عیادت کند، گویا مرا عیادت کرده است.

رسول خدا(ص): بنده ای در قیامت، ایستاده است. ناگاه شعله ای از آتش جهنم که از همه کوهها بزرگتر است، بسوی او شعله می کشد! او متحیر می شود که چه کند! در این موقع گرده نانی و یا دانه ای که در دنیادر مهمانی به مؤمنی داده است، در هوا پیدا می شود و به اندازه کوهی شده و مانع از رسیدن آتش به او می شود.

29- طول پل صراط!

رسول خدا(ص): صفوف خلایق در قیامت، 120 صف است که طول هر صفی مسیر چهل هزار سال و عرضش هزار سال است. صفوف مؤمنین سه صف و صفوف کفار 117 صف است!

طول صراط مسیر سی هزار سال است. اولین کسانی که از صراط، گذر می کنند، مؤمنین هستند که عبور بعضی از آنان، بیست سال طول می کشد! سپس کفار از پل صراط عبور می کنند ولی در بین راه، نورشان از بین می رود و خطاب به مؤمنین، می گویند: بایستید! تا ما از نور شما مقداری بگیریم! و در این هنگام به جهنم سقوط می کنند.

30- سؤال از چهار چیز

- بنده در روز قیامت قدم از قدم بر نمی دارد تا از چهار چیز از او سؤال می کنند: از عمرش که در چه چیزی صرف شد! جوانی را در چه راهی گذرانند! ثروتش را از کجا بدست آورد و در کجا صرف نمود! از محبت ما اهل بیت!

31-

24 خزانه!

- روز قیامت برای هر شبانه روز انسان، بیست و چهار خزانه به او نشان می دهند. وقتی نگاهش به خزانه ای که پر از نور است می افتد، آنقدر خوشحال می شود که اگر خوشحالی او را به اهل جهنم تقسیم کنند، همه آنان از درد

آتش راحت می شوند! این خزانه مربوط به ساعاتی است که در آن ساعت به اطاعت خدا مشغول بوده است. سپس چشمش به خزانه ای می افتد که تاریک و بدبو و ترس آورنده است! بادیدن آن، آنقدر ناراحت می شود که اگر ناراحتی او را به اهل بهشت تقسیم کنند، همه دچار ناراحتی می شوند! و این متعلق به ساعاتی است که در آن، به گناه مشغول بوده است! سپس خزانه ای به او نشان می دهند که نه چیزی در او است که او را خوشحال کند و نه چیزی که او را ناراحت کند! و این مربوط به ساعاتی است که در آن به امورات مباح مشغول بوده است! او با دیدن این خزانه تأسف می خورد که چرا در این ساعت به اطاعت الهی مشغول نبوده است. همانطور که خدا می فرماید: ذلک يوم التغابن یعنی: آن روز، روز تأسف است.

32- چیزهایی که سبب خلاصی از سختیهای قیامت است ذکر می کنیم شاید آن را به کار بندید

1- خواندن سوره یوسف

روایت شده است که هر که سوره یوسف (علیه السلام) را در هر روز یا در هر شب بخواند، روز قیامت که مبعوث می شود جمالش مانند جمال یوسف (علیه السلام) باشد، و به او فزع و ترسی از روز قیامت نرسد.

2- خواندن سوره دخان در هر نماز

و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) مرویست که هر که سوره دخان را در نمازهای فریضه و نافله، بخواند حق تعالی او را در جمله آنهایی که امین و بی ترسند مبعوث فرماید.

3- خواندن سوره احقاف در هر جمعه

و از حضرت امام جعفر صادق (ع) مروی است که هر که سوره احقاف را در هر شب یا در هر جمعه بخواند، به او ترسی در دنیا نرسد و حق تعالی او را از ترس روز قیامت ایمن گرداند.

4- خواندن سوره والعصر در نمازهای مستحبی

و نیز از آن حضرت (امام صادق (علیه السلام)) منقولست که هر که سوره والعصر را در نمازهای نافله خود بخواند روز قیامت با صورت سفید و روشن مبعوث می شود، و دهانش به خنده گشوده باشد و چشمش روشن باشد تا داخل بهشت شود.

5- احترام به ریش سفیدان و بزرگترها

شیخ کلینی از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر که احترام و تعظیم کند کسی را که در اسلام موی خود را سپید کرده حق تعالی او را از فزع و ترس روز قیامت ایمن گرداند.

6- مردن در راه مکه

و نیز از آن حضرت روایت کرده که فرمود: هر که بمیرد در راه مکه ، خواه در وقت رفتن باشد یا در وقت برگشتن ، از ترس بزرگ و فزع اکبر روز قیامت ایمن بماند.

7- مردن در حرم مکی و یا مدنی

و شیخ صدوق از آن حضرت روایت کرده که فرمود هر که در یکی از دو حرم ، یعنی حرم مکه و حرم مدینه بمیرد خداوند او را از جمله آنهاییکه امین و بی ترسند در قیامت قرار می دهد.

8- دفن شدن در حرم مکی

شیخ کلینی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هر که در حرم مکه معظمه دفن شود از فرع اکبر و ترس بزرگ ایمن گردد

9-دوری از فحشاء بخاطر خدای بزرگ

شیخ صدوق از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که هر کس از زنا و یا زشتی دیگر به خاطر خداوند پرهیزد خداوند آتش جهنم را بر او حرام گرداند و او را از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند

10-دشمن دانستن نفس اماره

کسی که نفس اماره را دشمن خویش شمرد خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن گرداند

11-فرو بردن خشم و کظم غیظ

شیخ اجل علی بن ابراهیم قمی از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده که هر کس، خشم خود را فرو برد خداوند دل او را از امن و ایمان روز قیامت پر گرداند

12-محبت و ولایت اهل بیت

حق تعالی در سوره نمل آیه 89 فرمود: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمَنُونَ یعنی هر کس نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن (نیکی) خواهد داشت، و آنان از هراس و دلهره آن روز (قیامت) ایمنند، از حضرت امیرالمؤمنین روایت شده که فرمود: حسنه در این آیه، معرفت و ولایت و محبت ما اهل بیت است (و معلوم می شود آیه شریفه 201 سوره بقره وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ یعنی: و برخی از آنان می گویند: (پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت (نیز) نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش (دور) نگه دار) همان محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام است

13- کمک به برادران مومن و برآوردن حوائج آنان

شیخ صدوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هر کس که برادر مؤمن اندوهگین و تشنه را کمک کند و اندوهش را از بین ببرد و یا خواسته اش را برآورده سازد برای او از طرف خداوند هفتاد و دو رحمت است که یکی از آنها را حق تعالی در دنیا به او مرحمت فرماید که با آن زندگی خود را اصلاح نماید و هفتاد و یک رحمت دیگر برای جلوگیری از ترسهای روز قیامت او باشد.

مرحوم محدث قمی می گوید که در خصوص برآورده کردن نیازها و مشکلات برادران دینی، روایات بسیار نقل شده؛ از جمله از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت شده است: کسی که دنبال کار برادر مسلمان خود برود، حق تعالی او را در حمایت هفتاد و پنج هزار فرشته قرار دهد که برای او در هر قدمی حسنه ای بنویسد و زشتی را از او بردارد و درجه بالاتر را به او دهد. و چون نیاز برادر دینی خویش روا سازد، فرشتگان بنویسند برای او اجر و مزد کسی که حج و عمره را بجا آورده باشد. و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که برآورده کردن نیاز مرد مومن برتر است از . حجّه و حجّه و حجّه و تا ده حجّه شمردند

و روایت شده که در بنی اسرائیل هر گاه عابدی به نهایت عبادت می رسید از میان همه عبادات سعی و کوشش در برآوردن حاجات مردم اختیار می کرد.

و شیخ جلیل، شاذان بن جبرئیل قمی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت در شب معراج این کلمات را دید که بر در دوم بهشت نوشته شده: "لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله" از برای هر چیزی حيله ایست و حيله سرور و خشنودی در آخرت چهار خصلت است: دست مالیدن بر سر یتیمان و مهربانی بر بیوه زنان و رفتن پی حاجت مؤمنان و تعهد و پرستاری از فقیران و مسکینان و درماندگان، بنابراین علما و بزرگان دین خیلی اهتمام در رفع نیاز مؤمنین داشتند .

14- زیارت اهل قبور مومنان

شیخ کلینی از حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل کرده که هر کس نزد قبر برادر خود بیاید و دست خود را بر قبر بگذارد و سوره "انا انزلناه فی ليله القدر" را هفت مرتبه بخواند، خداوند او را از فزع اکبر و دلهره بزرگ روز قیامت ایمن و مصون گرداند.

محدث قمی می گوید: در روایت دیگر است که خوب است زائر قبر مومنان، رو به قبله نماید و دست بر روی قبر بگذارد^{۱۸}.

19) اصلاً از قیافه و سیمای هر کس معلوم است که اهل چه گناهی بوده است

20) و نیز در کتاب مزبور نقل کرده: يحشر بعض الناس على صور يحسن عندها القردة و الخنازير

بعضی از مردم به صورتها و شکلهایی وارد محشر می شوند که شکل میمون و خوک نسبت به آنها زیباست

و نیز از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: يحشر الناس يوم القيامة ثلثة

اصناف: ركبانا و مشاء و على و جوههم فقیل یا رسول الله و کیف یمشون علی و جوههم؟ قال: الذی

21) امشاهم علی اقدامهم قادر علی ان یمشیهم علی و جوههم

مردم در قیامت سه جور محشور می شوند؛ بعضی سوار و بعضی پیاده و بعضی بر صورتها حرکت می

کنند. گفتند یا رسول الله! چگونه با سر می توان حرکت کرد؟! فرمود همان خدایی که آنها را در دنیا

بر پاهایشان حرکت می داد، قادر است که آنها را با سرهایشان حرکت دهد

گیر کردن دلها در گلوها

22) ... و أنذرهم يوم الأزفة إذا القلوب لدى الحناجر كظمین

و بترسان ایشان را از روز قیامت که بزرگ و نزدیک است در آن روز دلهای مردمان نزد گلوهای

ایشان خواهد بود

چون از هول و ترس آن روز، دلها از جای خود کنده شده و گلوها بماند؛ نه برگردد به جایش تا

راحت شوند و نه بیرون می افتد تا خلاص شوند و دلها در آن روز از غم و اندوه پر باشد. و خلاصه به

19. يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي و الأقدام الرحمن: 41

20. علم اليقين: 901/2

21. علم اليقين: 901/2

22. مؤمن: 18

قدری ترس آور است که دلها جا کن می شود و راه گلو و نفس را می گیرد. نص قرآن مجید است. خدای تعالی مکرر خبر داده از ترس چنین روزی که برادر از برادر می گریزد. شخص از پدر و مادر فرار می کند. از زن و فرزند دوری می جوید. و در این آیه خداوند وضع وحشت زدگی و هراس آدمی را در آن روز بیان می فرماید که از شدت هول، قوی ترین علاقه های انسانی؛ یعنی علاقه به زن و فرزند و پدر و مادر و برادر در آن روز گسیخته می گردد و هر کس چنان به خود مشغول و گرفتار نتیجه کردارهای خود هست که به دیگران نمی تواند توجهی داشته باشد، از این جاست که از همه فرار می کند^(۲۳). و نیز می ترسد که مبادا مطالبه حق خود کنند. بلی نفسها در گلو بند می آید، دیگر^(۲۴) آوازی جز همه از این همه جمعیت شنیده نمی شود

ان الذین سبقت لهم منا الحسنی أولئک عنها مبعدون لا یسمعون حسیسها و هم فی ما اشتہت أنفسهم^(۲۵)... خلدون لا یحزنهم الفزع الأكبر

جز این نیست آنان که پیشی گرفته برای ایشان حسنی، از دوزخ دور شدگانند، نشوند آواز آتش را و در آنچه بخواهند و دوست دارند همیشه خواهند بود. اندوهناک نسازد ایشان را ترسی که بزرگترین ترسهاست

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مروی است که فرمود: یا علی! تو و شیعیانت در امان هستید^(۲۶). از فزع اکبر و این آیه راجع به شماست

در تفاسیر عامه هم مانند کشاف زمخشری و تفسیر امام فخر رازی و ثعلبی و روح البیان و غیره روایت نموده اند از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)^(۲۷) کسی که با دوستی آل محمد بمیرد، با توبه مرده. پاک از دنیا رفته. سر از قبر که در آورد، با دل خنک وارد محشر می شود. نه هولی و نه ترسی از قیامت دارد و بهشت برایش زینت داده می شود؛ چنانچه حجله گاه برای عروس

²³ یوم یفر المرء من أخیه و أمه و أبیه و صاحبته ی و بنیه عبس: 34-36

²⁴ و خشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا طه: 108

²⁵ انبیاء: 101-103

²⁶ تفسیر برهان: 74/3

²⁷ معاد شهید دستغیب

دمیدن اسرافیل در صور

هنگامی که می خواهد قیامت بر پا شود، اولین امری که واقع می شود نفخ صور است که خدای تعالی مکرر در قرآن مجید خبر داده است^(۲۸). از آیات و اخبار این طور استفاده می شود که دو نفخ در صور است؛ یکی نفخ اماته و دیگری نفخ احیا که می فرماید: و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت (135) و من فی الأرض الا من شاء الله ثم نفخ فیه آخری فاذا هم قیام ینظرون

دمیده می شود در صور، پس هلاک می شود هر که در آسمانها و زمین است مگر آن را که خدا بخواهد، سپس دوباره دمیده می شود، آنگاه قیامت بر پا می شود و ایشان ایستادگان نگاه کننده اند

نفخه احیا و رخدادهای پس از آن

(29) لمن الملك الیوم لله الواحد القهار...

ندای قهر الهی بلند می شود که ای گردنکشاها! ای آنهایی که کبر می ورزیدید! (من، من) می کردید! کجا هستید؟ امروز حکومت و سلطنت مطلقه برای کیست؟ یک نفر نیست که جواب بدهد، سپس خداوند خود می فرماید که: لله الواحد القهار. پس از این نفخه مدتی می گذرد که نفخه احیا و زنده شدن و بر پا شدن قیامت دمیده شود

از معصوم سؤال کردند که فاصله این دو نفخه؛ یعنی مدتی که هیچ جنبنده ای در عالم وجود نیست چقدر است، در روایتی می فرماید چهل سال^(۳۰) و در روایت دیگر چهارصد سال طول می کشد و بنا به روایات، قضایای عجیبه ای که گذشت از بهم خوردن افلاک و زلزله و ریزه ریزه شدن کوهها و آتش گرفتن دریاها در این مدت اتفاق می افتد

سپس امر می شود که باران ببارد. باران شدیدی مدت چهل روز در سرتاسر زمین می بارد اول کسی که به امر پروردگار دوباره زنده می شود، اسرافیل است که باید در صور بدمد تا قیامت بر پا شود. اسرافیل ندا می کند ای روحهایی که از بدنها بیرونید! ای بدنهای پراکنده شده! ای گوشت و

²⁸ و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السماوات و من فی الأرض... نمل: 87

²⁹ مؤمن: 16

³⁰ بحار الأنوار: 321/6

استخوانهای پوسیده و موهای متفرق شده! همه برگردید و جمع شوید برای حساب. بشتابید برای حساب! (۳۱)! وحی الهی به زمین می رسد که آنچه در جوف دارد، بیرون بریزد: و أخرجت الأرض أثقالها آنچه از بدن‌ها در زمین است به واسطه زلزله شدید بیرون می ریزد. اجمالاً ذرات بدن بهم پیوسته و روح در آن دمیده می شود، یکدفعه همه می ایستند. هیچ مانعی ندارد که همه با هم بدنشان درست و روح در آنها دمیده شود. برای خدا خلقت یک نفر و یا میلیاردها نفر فرقی ندارد (۳۲). همه می ایستند؛ اما منظره و گفتار اشخاص فرق می کند؛ نیکوکاران که سر از قبرها در آورند، خدای را شکر می کنند که به وعده خود وفا فرموده و قیامت را بر پا کرد تا ایشان به پاداش نیکوییهایشان (۳۳) برسند.

برخی دیگر هم هستند که بیچاره وار فریاد: واحسرتا بلند می کنند. ناله می کنند که کی ما را از قبرهایمان بلند کرد (۳۴)؟ در روایت دارد که یک پایش در قبر است، یک پای دیگر بیرون. سیصد سال به حالت بهت و حیرت ایستاده است. این مقدمه عذاب است. روزی جبرئیل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: می خواهید کیفیت قیامت را ببینید؟

فرمود بلی. حضرت را به قبرستان بقیع آورد. پا را به قبری زد و گفت: برخیز به اذن پروردگار. شخصی نورانی، خوش و خرم سر از قبر به در آورد و گفت: الحمد لله الذی صدقنا وعده. بعد پا به قبر دیگری زد و گفت: قم باذن الله.

!شخص بد هیکلی با منظره موحشی بیرون جست و گفت: واحسرتا (۳۵) جبرئیل عرض کرد: این طور، مؤمنین و کفار سر از قبر بیرون می آورند.

ایها روح الخارجة و اللحوم المتمزقة و العظام البالية و الشعور المستفرقة هلمو
لِلحساب (زاد المسیر: 34/5)

۳۱. ما خلقکم و لا بعثکم الا کنفس واحده... لقمان: 28

۳۲. الحمد لله الذی صدقنا وعده... زمر: 74

۳۳. یویلنا من بعثنا من مرقدنا... یس: 52

۳۴. بحار الأنوار: 39/7

در روایات دارد که: مؤمنین در برزخ از پروردگار عالم می خواهند که قیامت زودتر بر پا شود؛ چون نمونه لذت را چشیده و پی اصلش می گردند^(۳۶) از آن طرف کفار و فساق می گویند: خدایا! ما را^(۳۷) همین جا نگهدار؛ چون نمونه کمی از عذاب را دیده اند

^(۳۹)خافضة رافعة^(۳۸) - يوم تبلى السرائر

روز قیامت روزی است که بعضی کسانی که در دنیا پست بودند ولی دارای تقوا بودند، آنها بزرگ و آقائند، برعکس برخی که در دنیا محترم و بزرگ بودند ولی تقوا نداشتند، آنها را خوار می کند. خافضة؛ یعنی پست کننده - رافعة؛ یعنی بلند کننده

زین العابدین که فریادش در سحرهای ماه مبارک رمضان از عریانی قیامت بلند است: ابکی لخروجی^(۴۰) عن قبری عریانا ذلیلا

شناخته شدن گناهکاران

^(۴۱)يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصی و الأقدام

موقف اول در محشر، حیرت است که در قرآن مجید چند جا به آن تذکر داده شده

^(۴۲)مهطعين مقنعي رءوسهم لا یرتد اليهم طرفهم و أفدتهم هوآء

چشمها حرکت نمی کند در صورتی که اهل معصیت باشد، سنخ همان معصیت همراهش هست به قسمتی که همه متوجه می شوند که این شخص، مرتکب چه گناهی بوده است

یک روز قیامت معادل پنجاه هزار سال

³⁶همان: 268/6

³⁷همان: 270

³⁸واقعه 3

³⁹طارق: 9

⁴⁰بحار الأنوار: 89/98

⁴¹الرحمن: 41

⁴²ابراهیم: 43

(43) کان مقداره و خمسين ألف سنه...

در جلد سوم بحار الأنوار، چندین روایت از معصوم رسیده که می فرماید: قیامت پنجاه موقوف دارد که هر کدام، هزار سال می باشد(44)؛ یعنی برای هر یک هزار سال، بایستی توقف کرد، پنجاه هزار سال از آنچه که می شماریم مما تعدون از سال شمسی یا قمری. اگر سؤال شود که عالم قیامت روز و شبی که ندارد، آفتاب و مهتاب که نیست، پس چرا تعبیر از قیامت، به روز شده؟ گوییم: چون روز، عبارت است از قطعه ای از زمان که به وسیله آفتاب عالم روشن شده به طوری که چشم انسان هرچه را در شب نمی دید، در کمال وضوح و ظهور می بیند. همچنین در قیامت آنچه در دنیا پنهان بود از باطن اشخاص و درستی و نادرستی عقاید و خوبی و بدی اعمال و آثار آنها تماماً در قیامت آشکار می شود: يوم تبلى السرائر(45) قیامت روزی است که تمام سریره و نهانیهای بشر فاش می گردد.

(46) و نیز می فرماید: ...وبدا لهم من الله ما لم يکونوا يحتسبون.

ظاهر می شود برای ایشان آنچه را گمان نمی کردند.

آری، دنیا شب است. ظلمت است. کسی از دیگری خبر ندارد، بلکه از باطن خود هم بی خبر است و روی کارها سرپوش است؛ اما قیامت روز است. واقعا هم روز است. روزی که شب ندارد روزی که پنجاه هزار سال است. آفتاب حقیقت قیامت که بتابد می فهمیم که چه هستیم و دیگران چه اند. خلاصه، مواقفی دارد؛ موقف حیرت را گفتیم. موقف دیگر سکوت از ترس است که در آیه شریفه

(47) می فرماید: جز همهمه، صدای دیگری شنیده نمی شود.

(48) می خواهند صدا بدهند لیکن دلها از ترس در گلوها گیر کرده.

صدایی از کسی بر نمی خیزد.

موقف دیگر، هنگام صحبت است. از یکدیگر سؤال می کنند(49) از گناهان و ثواب همدیگر می

43. معارج: 4

44. بحار الأنوار: 126/7

45. طارق: 9

46. زمر: 47

47. و خشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا طه: 108

48. اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين... غافر: 18

49. و أقبل بعضهم على بعض يتساؤلون طور: 25

پرسند

در موقف دیگر از یکدیگر می گریزند؛ پدر از فرزند، زن از شوهر، برادر از برادر و غیره که در قرآن از مردم در آن روز، به پروانه های پراکنده تعبیر می فرماید^(۵۰) در سوره طور می فرماید: کافران،^(۵۱) ترس از چشمانشان می بارد، از قبرها بیرون آمده مانند ملخ در صحرای محشر متفرق می شوند دیده اید وقتی که ملخ می آید چطور هر یک از جهتی می رود، بعضی پایین و برخی بالا، گروهی به چپ و عده ای به راست بدون نظم پراکنده می شوند، زن و مرد هم در قیامت این طور از یکدیگر فرار می کنند که پراکنده می شوند؛ البته فرارشان سودی ندارد؛ چنانچه در تفسیر سوره الرحمن است که در آن روز امر می شود که ملائکه آسمان دوم دور ملائکه آسمان اول را بگیرند، همین طور تا هفت صف از ملائکه آسمانهای هفتگانه. این قشون الهی است که اطراف صحرای محشر را گرفته^(۵۲). ای جن و انس! اگر می توانید فرار کنید لیکن فرار محال است. در آن روز انسان می گوید: کجا فرار کنم؟ کجا بروم؟ اما هیچ جای فراری نیست مگر به سوی پروردگار برای کسی که با^(۵۳) خدا سر و کاری داشته و گرنه برای دیگران مفری نیست

موقف دیگر سؤال است. هر کس از آشنایان خودش استدعا می کند که حسنه ای از خود به او بدهند لیکن هیچ کس نمی دهد؛ چون خودش هم محتاج است. پدر از فرزندش می خواهد که در دنیا چقدر من زحمت تو را کشیدم. چه رنجها که در تربیت تو بردم، حالا حسنه ای به من بده. فرزند گوید: من از تو محتاجترم. و همچنین برادر به برادر و غیره هیچ کس به فریاد دیگری نمی رسد؛ یعنی خودش هم گرفتار و محتاج است

دعوت از مردم برای خواندن کارنامه اعمال

⁵⁰ یوم یكون الناس كالفرش المبعوث قارة: 4

⁵¹ خشعا أبصارهم یخرجون من الأجداث كأنهم جراد منتشر: 7

یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من أقطار السماوات و الأرض

⁵² فانفذوا... الرحمن: 33

⁵³ یقول الانسان یومئذاین المفر کلا لا وزر الی ربک یومئذ المستقر

اگر بچه ای در مدرسه نمره اول شده باشد، چقدر خوشحال است، داد و فریاد می کند که همه بدانید
و بیایید کارنامه ام را نگاه کنید و ببینید قبول شده ام، نمره اول شده ام

فردای قیامت هم که نامه عمل مؤمن را به دست راستش می دهند با یک سروری فریاد می زند: ای
دوستان! ای آشنایان من! بیایید ببینید و نامه عمل مرا بخوانید: ...هاؤم اقرءوا کتیه^(۵۴) نمازها و روزه ها
و انفاقهای قبول شده مرا نگاه کنید: انی ظننت انی ملق حساییه^(۵۵) من خودم در دنیا به فکر امروز و
حساب امروز بودم: فهو فی عیشة راضیة پس چنین شخصی در خوشبختی و در زندگی آسوده
جاودانی و بهشت بزرگ خواهد بود؛ ولی وای از آن بچه بدبختی که مردود شده باشد! در کوچه و
خیابان آهسته آهسته با سر به زیر افکنده و حال نزاری، رو به خانه می آورد. آرزوی مرگ می کند.
گاهی هم دق می کند. این مثل را هزاران مرتبه بالا ببرید حال گنهکارانی است که نامه عملشان را به
دست چپشان داده اند

و أما من أوتی کتبه بشماله ی فبقول یلینتی لم أوت کتیه و لم أدر ما حساییه یلینتها کانت القاضیة ما
(^{۵۶})أغنی عنی مالیه هلک عنی سلطنیه

پس می گوید: ای کاش! نامه عملم را به دستم نداده بودند. ای کاش! نفهمیده بودم که حسابم به کجا
کشیده است. و این برای آن گوید که می بیند در آن نامه رسواییهاست. و ای کاش! که این حالت مرا
مرگی بود قطع کننده کار من. و ای کاش! آن مرگ که ما را در دنیا بود، مرگی بود حکم کننده به
آن که بعد از وی حیاتی نخواهد بود. و ای کاش! بمردمی تا برستمی. آنگاه از روی حسرت گوید:
مال من به فریاد من نرسید و به کار من نخورد. ملک و قوه از دستم رفت. عده ای هم هستند که نامه
عملشان را از عقب و پشت سر به آنها می دهند

(^{۵۷})و أما من أوتی کتبه و رآء ظهره ی فسوف یدعوا ثبوراً و یصلی سعیرا

دو احتمال در آن است: یکی این که دو دستش را از عقب می بندند و نامه عمل را به دستش می
دهند و سرش را بر می گردانند

^{۵۴} .حاقه: 19

^{۵۵} .حاقه: 20

^{۵۶} .حاقه: 25-29

^{۵۷} .انشقاق: 10-12

احتمال دوم این است که دست چپش را در سینه اش فرو می کند که از پشتش بیرون می آید و رویش را بر می گردانند و به او می گویند نامه ات را بخوان: اقرأ کتبک کفی بنفسک الیوم علیک⁽⁵⁸⁾ حسیا.

وای از غیبتها! تهمت‌ها! دروغ‌ها! فحش‌ها! آبروریزی‌هایی که باید خودش بخواند. همچنین گناهان با سایر اعضا و جوارح را. صدای ناله اش بلند می شود که وای! از این کتابی که نمانده کوچک و بزرگی مگر این که آن را ثبت و ضبط کرده است⁽⁵⁹⁾، آنچه را که انجام داده در جلوش حاضر و آماده می بیند⁽⁶⁰⁾.

بعضی هستند که نامه عملشان را که نگاه می کنند، مفصل‌هایشان از هم جدا می شود. چرک و خون از چشم‌هایشان جاری می شود؛ چنانچه در روایت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) است که ندا می رسد:

مگر آنچه نکرده ای در نامه عملت می بینی؟

عرض می کنند: نه پروردگارا! همه اش درست است سر رابه زیر می اندازد

در قیامت در آن واحد تمام افعال و پندار عمرش را در دنیا به یاد می آورند. همه را می بیند. عالم عجیبی است. حساب هر کس نزد خودش روشن است. برخی معطلی ایشان به اندازه چشم بر هم زدن است. ایشان صلحا هستند. بعضی هم هزار سال معطل پس دادن حساب هستند، نه این که حساب کردنش طول دارد نه، بلکه می خواهند در حیرت بماند و شکنجه ببیند و گرنه خداوند اسرع الحاسبین است. بعضی به مقدار دوشیدن گوسفند و پاره ای هم فاصله بین ظهر و عصر تا برسد به چهل سال و هزار سال تا پنجاه هزار سال که در هر موقفی از پنجاه موقوف قیامت، هزار سال می ماند

بشارتی بزرگ برای شیعیان اهل بیت (علیه السلام)

⁵⁸ .اسراء: 14

یاویلتن مال هذا الكتاب لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الا أحصاها و وجدوا ما عملوا⁵⁹
حاضرا و لا یظلم ربک أحدا کھف: 49

و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه ی و نخرج له القیامة کتابا یلقاه منشورا⁶⁰
.اسراء: 13

61) و ایاب الخلق الیکم و حسابهم علیکم

در جلد دوم بحار الأنوار از امالی مفید به سند متصل از حضرت صادق روایت کرده، قال (علیه السلام):

إذا کان یوم القیمة وکلنا الله بحساب شیعتنا فما کان لله سئلنا الله ان یهبه لنا فهو لهم و ما کان لنا فهو لهم 62) ثم قرأ ابو عبدالله (علیه السلام) ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم

چون قیامت شود، خدا حساب شیعیان ما را به ما واگذار می کند، پس هر حقی راجع به خداوند است، ما از خداوند می خواهیم که به ما بخشد، پس آن حق به آنها بخشیده می شود و هر حقی راجع به خود ماست، آن را هم به آنها می بخشیم. پس این آیه شریفه را قرائت فرمود:

جز این نیست که به سوی ماست رجوع ایشان پس بر ماست حساب ایشان

و در کتاب مزبور، باب حساب یوم القیمة روایت دیگری از آن حضرت نقل کرده که پس از ذکر:

حق خدا و حق امام (علیه السلام) - که بخشیده شود - می فرماید

63) و ما کان فیما بینهم و بین الناس من المظالم اداه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عنهم و اما مظالم و حق مردم - که بر عهده شیعیان باشد - پس رسول خدا آن را به صاحب حق ادا فرموده است.

خداوند ما را از امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و شیعیان اهل بیت او قرار دهد و با آنها محشور فرماید

بشارتی که برای شیعیان است این است که خدای تعالی روز قیامت حساب هر قومی را به امامش واگذار خواهد کرد. به به! از آن عملی که حسابگر آن حجة بن الحسن (علیه السلام) باشد. وقتی که عملمان را نگاه می فرماید، هر چند ما روسیاهیم و سر را به زیر انداخته ایم لیکن دوست ایشانیم. امید است ما را شفاعت کنند. شکر خدای را که حساب ما با شخص کریمی است که پیش خدا منزلت دارد.

61. مفاتیح الجنان / زیارت جامه کبیره

62. بحار الأنوار: 264/7 ح 19

63. همان: 273/ح 48

اقامه میزان در قیامت

(64) ...و نضع الموزین القسط لیوم القیامه

(65) ...والوزن یومئذ الحق

از جمله اموری که بایستی به آن اعتقاد داشت میزان است

والمیزان حق میزان اعمال در روز قیامت بر پا می شود و کارهای هر کس سنجیده می شود که آیا

کارهای خوبش بیشتر است یا کارهای بدش

اصل میزان از ضروریات مذهب است. کلام در این است که حقیقت میزان و وزن چیست؟ علمای

کلام هر یک طبق فهم و مذاق خود چیزهایی گفته اند؛ بعضی می فرمایند: نامه اعمال، وزن می شود.

بعضی گفته اند: صورتهای جسمیه اعمال وزن می شود. اینها هیچ کدام مدرک معتبری ندارد، آنچه به

نظر می رسد این است که میزان، به معنای سنجش است، از خرد و بزرگ. چیزی فروگذار نمی

گردد. حالا به چه کیفیت است نمی دانیم؛ البته تا میزان گفته می شود نظر به ترازو و قیان نرود. اینها

برای کشیدن برنج و عدس به کار می رود. ترازوی عدل الهی که برای سنجیدن نماز و روزه و

انفاقهای شما به کار می رود، جز این است. اعمال خیر و شر را می سنجند تا کدام یک بچربد: ...فمن

ثقلت موزینه فأولئک هم المفلحون(66). آنهایی که برتری برای اعمال خیرشان است رستگارند.

برعکس بدبختانی که جهت شر در ایشان غالب شده آنها زیانکارانند: و من خفت موزینه فأولئک

الذین خسروا أنفسهم... (67)؛ آنهایند که بر خودشان ظلم کرده و زیان رسانیده اند

رسیدگی به حساب مردم

(68) فلا نقیم لهم یوم القیمه و زنا...

از لحاظ حساب در روز جزا خلق بر چهار گروهند

64. انبیاء: 47

65. اعراف: 8

66. اعراف: 8

67. اعراف: 9

68. کهف: 105

طایفه اول: عده ای بدون حساب وارد بهشت می شوند. ایشان دوستان اهل بیتند که حرامی از آنها سر نزده یا این که با توبه از دنیا رفته اند.

طایفه دوم: برعکس ایشانند، بدون حساب وارد جهنم می شوند که در قرآن می فرماید: فلا نقیم لهم يوم القيمة وزنا کسانی که بی ایمان از دنیا بروند، حسابی ندارند. عملشان ارزشی ندارد؛ چون بی ایمانند.

طایفه سوم: کسانی هستند که کارهایشان حساب دارد و در موقف قیامت معطل می شوند؛ اما عاقبت چون حسنااتشان غالب است، اهل نجاتند و معطلی در حساب به مقدار گناه است؛ چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابن مسعود فرمود: برای گناه، شخص یک صد سال معطل می شود (هر). البته در روایت ذکر نشده که چه قسم گناهی است تا این که مؤمنین از جمیع (69) چند بهشتی است. گناهان (70) پرهیز کنند و از معطلی حساب، بترسند.

طایفه چهارم: کسانی هستند که سیئات آنها بیشتر از حسنااتشان باشد پس اگر شفاعت و فضل الهی به آنها برسد اهل نجات و به بهشت خواهند رفت و الا محکوم به عذاب و در آتش جای آنهاست تا هنگامی که از گناهان پاک شوند، آنگاه نجات خواهند یافت و آنها را به بهشت می برند. کسی که یک ذره ایمان داشته باشد، در جهنم نخواهد ماند و باقی نماند در آتش مگر کافر و معاند یعنی اجر باقی نخواهد داشت و کردارهای نیک او هر چند زیاد و بزرگ باشد، او را به بهشت نخواهد برد؛ زیرا شرط دخول در بهشت اعتقاد به خدا و آیات اوست. کسی که خدا را باور ندارد، چگونه بهشت را می بیند و در ضمن حدیث اعرابی و سوسمار که در جلد دهم بحار است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس زاد و توشه سفر اعرابی را فراهم کند، من ضامن می شوم زاد تقوای او را.

سلیمان عرض کرد: یا رسول الله! زاد تقوا چیست؟ فرمود: گفتن لا اله الا الله هنگام مرگ که اگر آن (71) را بگویی، مرا خواهی دید و الا مرا نخواهی دید.

⁶⁹ ان المرء لیجس علی ذنب واحد مائة عام (اصول کافی: 2/272/ح 19)

⁷⁰ گناهان کبیره به قلم آیه الله دستغیب

⁷¹ بحار الأنوار: 72/43

احباط و تکفیر

(72) و الذین کفروا فتعسا لهم و أضل أعمالهم ذلک بأنهم کرهوا ما أنزل الله فأحبط أعمالهم و الذین ءامنوا و عملوا الصلحات و ءامنوا بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم و (73) أصلح بالهم

طوری که بشود ساده ذکر کرد تا همه بفهمند این است که اگر کسی بی ایمان از دنیا برود، هر چند از اول عمر تا آخر، کار نیک از او سر زده باشد، فایده ای ندارد

احباط؛ یعنی باطل کردن و از بین بردن. بی ایمان مردن، کارهای نیک را ضایع می کند. اگر کسی بگوید مگر نه این است که قرآن می فرماید: فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره (74)؛ اگر کسی هموزن ذره ای نیکی کرد پاداشش را می بیند

جواب این است که این شخصی که کافر مرده، به دست خودش عملش را از بین برده؛ چون با کفر به خدا محال است اجر باقی و رفتن به بهشت. خدای تعالی هم در همین دنیا تلافی نیکباهش را می کند؛ چنانچه در اول بحث گفتیم که ممکن است آسان جان دهد، یا مریض نشود، یا اگر شد، زود خوب شود، ضرر مادی به او نرسد و غیره

نص قرآن مجید است که: و الذین کذبو بئايتنا و لقاء الأخره حبطت أعمالهم هل یجزون الا ما کانوا یعلمون (75)؛ هر کس کافر از دنیا برود کردارش را ضایع کرده است. و آنچه ذکر شد از احباط در آیات متعدد قرآن راجع به شرک و کفر است، اما گناهان دیگر چطور است؟ آیا آنها هم اعمال را ضایع می کنند؟! بلی نسبت به بعضی گناهان، آیات به خصوصی داریم (76)؛ مانند عاق والدین که می فرماید ندا می رسد: یا عاق! اعمل ما شئت (77)؛ هر چه می خواهی بکن که از تو پذیرفته نیست)، اگر آه مادر پشت سر کسی باشد، کوه، کوه عملش را آتش می زند. بعضی از گناهان هم مثل تهمت

72. مجد (صلی الله علیه و آله و سلم): 8-9

73. مجد (صلی الله علیه و آله و سلم): 2

74. زلزال: 7

75. اعراف: 147

76. اسراء: 23

77. بحار الأنوار: 82/74/ح 82

سبب بی ایمانی می گردد و همچنین حسد اگر بروز کند و به آزار رسانیدن دیگران برسد که: یا کل
الایمان كما تأکل النار الحطب^(۷۸) چنانچه گذشت

تکفیر از کفار^(۷۹) به معنای پوشانیدن و محو کردن اثر گناهی است که واقع شده است. شکی نیست
که قبول ایمان کردن، اثر کفر سابق را محو می کند، پس اگر کسی از اول عمر بی ایمان بود و آخر
عمر با ایمان شد و از دنیا رفت، یقیناً اهل نجات است و اما اثر گناهایی که واقع شده پس محو کننده
قطعی آنها توبه جامع شرایط است؛ چنانچه درباره اهل توبه در قرآن مجید فرموده: ...فأولئك يبدل الله
سيئاتهم حسنات...^(۸۰) خداوند گناهان و زشتیهای آنها را تبدیل به حسنات و خوبیها می فرماید. و اما
غیر از توبه صادقانه از حسنات دیگر، آیا محو کننده و پاک کننده گناهایی است که واقع شده یا نه،
پس ظاهراً آیه شریفه ...ان الحسنات يذهبن السيئات...^(۸۱)؛ آن است که فی الجمله بجا آوردن حسنات،
پاک کننده سیئات است؛ ولی تعیین آنها؛ یعنی کدام حسنات است که این اثر را دارد، پس در
بسیاری از روایات پاره ای از حسنات ذکر شده که پاک کننده است؛ مانند این که روایت شده در
جلد پانزدهم بحار که: شخصی نزد خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد گناه
من بزرگ است. (گناهش این بود که در جاهلیت دخترش را زنده به گور کرده بود) عرض کرد:
عملی یادم بدهید تا خدای تعالی مرا بیامرزد. فرمود مادر داری؟

عرض کرد: نه (معلوم می شود نیکی به مادر بزرگترین علاج این گناه و نظایر آن می باشد)
فرمود: خاله داری؟ گفت: آری

فرمود برو به خاله ات نیکی کن (تابه واسطه علاقه اش به مادرت، نیکی به مادر هم شده باشد)
بعد فرمود: لو کان امه ؛ یعنی اگر مادرش بود، بهتر بود^(۸۲)؛ چون نیکی کردن به مادر، اثرش در پاک
شدن از چنین گناهی یقیناً بیشتر است

پرسشهای قیامت

78. میزان الحکمه: 2/426/ح 3938

79. لکفرنا عنهم سيئاتهم... مائده: 65

80. فرقان: 70

81. هود: 114

82. بحار الأنوار: 82/74

در چندین جای قرآن مجید ذکر شده که: از انبیا و امت سؤال کرده می شود^(۸۳). از پیغمبران می

پرسند که شما را برای دعوت خلق فرستادیم آیا به مردم رساندید؟

عرض کنند: پروردگارا! تو شاهی که ما مسامحه نکردیم

ندا می رسد شاهد شما کیست؟

همه گویند: شاهد ما خاتم ما است؛ یعنی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)^(۸۴). و همچنین از عیسی

بن مریم می پرسند: آیا تو گفتی که من و مادرم را پرستید که یکدفعه عیسی در مقابل عظمت

پروردگار می لرزد و عرض می کند: پروردگارا! اگر من چنین حرفی زده بودم تو می دانستی، من

^(۸۵) گفتم بنده خدایم و خدای من و خودتان را پرستید

از امتها هم سؤال کرده می شود که آیا پیغمبرتان به شما قضایای امروز را خبر نداد؟

همه می گویند: آری. دیگر از موارد سؤال، پرسش از نعمتهای پروردگار است که با آن چگونه رفتار

شده است^(۸۶)؟ آیا بر نعمت، شکر کرده است یا نه بلکه کفران نموده است

درباره سؤال از نعمت، روایات مختلف است. آنچه جمع بین روایات است این است که نعمت، مرتبه

دارد. مهمترین مراتب آن نعمت ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است بلکه نعیم مطلق،

ولایت است

امام (علیه السلام) به قتاده فرمود: شما عامه راجع به ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم چه می گوید؟

عرض کرد: درباره آب و نان و غیره سؤال کرده می شود

امام فرمود: خدا کریمتر است که از اینها سؤال کند (اگر شما کسی را برخوان غذای بخوانید، بعداً از

او درباره خوراکیهای آن بازخواست می کنید؟!)

عرض کرد: مراد از نعیم چیست؟

⁸³ فلنستلن الذين أرسل اليهم و لنستلن المرسلين اعراف: 6

و كذا لك جعلناكم أمة وسطا لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم

⁸⁴ شهيدا... بقره: 143

و اذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس اتذوني و أُمي الالهين من دون

⁸⁵ الله مائده: 116

⁸⁶ ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم تکاثر: 8

حضرت فرمود: نعمت ولایت ما آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.
پرسیده می شود: شما با آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) چه کردید؟ چقدر محبت و تبعیت از ایشان داشتید؟

از دشمنان می پرسند: چرا با این نعمت دشمنی کردید؟ از خوراک سؤال کرده نمی شود مگر این که شخصی اسراف کرده یا تبذیر کرده باشد، یا از حرام کسب کرده باشد، یا در حرام صرف کرده باشد.
آن وقت از این جهت مورد سؤال واقع می شود

از هر حرام و گناهی هم سؤال کرده می شود که چرا چنین کردی؟ از بعضی نعمتها هم هست که به خصوصه پرسیده می شود؛ یکی از نعمتها عمر است؛ چنانچه در روایات داریم که نمی گذارند کسی قدم از قدم بردارد مگر این که جواب این چهار نعمت را بدهد: از عمرش که در چه آن را گذرانیده؟ از جوانی اش که به چه چیزهایی خودش را مبتلا کرد و از مالش که از کجا به دست آورده و در کجا ⁽⁸⁷⁾ صرف کرد؟ و همچنین از ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

قانون از کجا آورده ای؟ آن جا خوب اجرا می شود. آن وقت در کجا صرف کرده ای؟ حتی اگر اتفاق به ریا کرده باشد، مورد مؤاخذه قرار می گیرد

پرسش از عبادات

⁽⁸⁸⁾ وقفوهم انهم مسئولون

اولین چیزی که مورد سؤال واقع می شود، نماز است؛ اول ما یحاسب به العبد الصلاة⁽⁸⁹⁾. آیا نمازهای واجب را در وقتش ادا کرده است یا نه؟ احکام این امر بزرگ را که عمود دین و امانت الهیه بود، درست انجام داده است یا نه. سپس از سایر عبادات پرسیده می شود

پرسش از مظالم و حق الناس

عن عمره فیما افناه و شبابه فیما ابلاه و عن ماله مما لکتسبه و فیما انفقہ
⁸⁷ (بحار الأنوار: 258/7 ح 1)

⁸⁸ صافات: 24

⁸⁹ فان قبلت قبل ما سواها (بحار الأنوار: 267/7 ح 33)

در نهج البلاغه امیرالمؤمنین می فرماید: گناه بر سه قسم است؛ گناهی که آمرزیده شده و گناهی که برای صاحبش امید آمرزش است و گناهی که بخشیده شدنی نیست اما گناهی که بخشیده شدنی است آن است که در دنیا تلافی شده باشد؛ یعنی حد بر آن جاری گردیده است. خدا کریم تر از آن است که برای یک گناه، دو مرتبه عقوبت بفرماید قسم دوم گناهی است که امید بخشش است، گناهی است که در دنیا تلافی نشده لیکن صاحبش توبه کرده است.

قسم سوم گناهی که آمرزیده شدنی نیست. مظلّم عباد بر یکدیگر است. اینها حق الناس است که (90) خداوند نخواهد گذشت

اگر پر کاهی را از کسی به ظلم گرفته باشد، خداوند تلافی خواهد فرمود؛ چنانچه فرمود مرصاد در آیه قرآن (91)، تفسیر به عقبه حق الناس شده، به درستی که پروردگارت در کمین است که حق هر کس را به او رد کند

محدث قمی در منازل الآخره حکایت ابو سلیمان دارانی را که از زهاد و عباد است و ذکر او در تذکره ها زیاد گردیده، نقل می کند که

بعد از مرگش او را در خواب دیدند. از او احوال پرسیدند که چگونه ای؟ گفت: یک سال است در یک عقبه معطلم. روزی بار کاهی وارد شهر می شد، من تکه چوبی از آن کدم که خلال کنم، یک سال است که مورد عتابم که چرا بدون اذن صاحبش در مال مردم تصرف کردی؟ آیا صاحبش راضی بود (92)؟

مگو این که ارزشی ندارد، درست است لیکن مال که هست. ملک مردم است. بعضی هستند که در رودرواسی مال یکدیگر را می گیرند و چیزی به دست می آورند، این اخذ به حیاست که المأخوذ حياء كالمأخوذ غصباً حرام است. کاری کنید که وقتی از دنیا می روید، باری بر دوش شما نباشد. اگر

90. مستدرک سفیة البحار: 454/3

91. ان ربك لبالمرصاد فجر: 14

92. منازل الآخره و المطالب الفاخره: 221-222

هم تاکنون مسامحه ای بوده، از صاحبانش حلیت بطلبید. عقبه مظالم نسبت به اشخاص فرق می کند.
برخی هستند که هزار سال در این موقف معطل اند

اخذ حقوق

خدای تعالی نسبت به بندگان دو قسم معامله دارد؛ یکی به عدل، دیگری به فضل. در معامله به عدل، هر کس حق دیگری بر عهده اوست، باید به همان مقدار از حسناتش بگیرند و به صاحب حق بپردازند؛ مثلاً غیبت کسی را کرده، به کسی تهمت زده، خدا داند چقدر از حسنات و عباداتش باید بردارند و به آن شخص که غیبتش را کرده یا تهمت زده، بدهند. و اگر مفلس است و حسناتی ندارد، به همان اندازه از وزر و گناهان آن شخص بایستی بردارند؛ چنانچه در روایات به این مطلب تصریح شده است

در روضه کافی، حدیث 79، حدیثی طولانی درباره حساب خلاق در قیامت و گرفتن حقوق و مظالم از حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) نقل نموده تا این که می گوید خداوند می فرماید
منم خدایی که شایسته پرستش جز من نیست. حاکم و دادگستری هستم که خلاف نگوید. میان شما به داد و عدالت خود قضاوت کنم. امروز در بر من به کسی ستم نرود، امروز از نیرومند، داد ناتوان بستانم و از بدهکار، حق بستانکار بگیرم و با حسنات و سیئات، تقاص بدهکاریها را بنمایم... امروز است که هیچ ستمکاری از این گردنه در برابرم نگذرد که مظلومه ای از کسی به گردن او باشد. ای خلاق! به هم بچسبید و هر حقی به گردن کسی دارید که در دنیا به ستم از شما باز گرفته، از او بخواهید و من خود گواه شما هستم بر علیه او

در آخر حدیث است که یک مرد قرشی به آن حضرت گفت

ای پسر پیغمبر! هرگاه مرد مؤمنی حقی به گردن کافری دارد، از آن کافر که اهل دوزخ است در برابر آن چه بستاند؟

امام (علیه السلام) فرمود: از گناهان آن مرد مسلمان به اندازه حقی که به گردن آن کافر دارد، کم می شود و آن کافر به اندازه آنها به همراه عذاب کفر خود، عذاب می شود

آن مرد قرشی گفت: هرگاه مسلمانی به گردن مسلمانی حقی دارد، چگونه حقش از آن مسلمان

دریافت شود؟

امام (علیه السلام) فرمود: برای آن مسلمان بستانکار از حسنات مسلمان بدهکار ظالم بگیرند و بر حسنات آن ستم کشیده بیفزایند.

پس آن مرد قرشی گفت: اگر آن ظالم حسناتی نداشته باشد؟

(⁹³) امام (علیه السلام) فرمود: از گناهان آن مظلوم بستانکار بگیرند و به گناهان ظالم بدهکار بیفزایند. ناگفته نماند هرگاه کافری بر مسلمانی حقی داشته باشد؛ چون کافر قابلیت حسنات مسلمان را ندارد، پس مقتضای عدل آن است که به مقدار حقش از عذابش تخفیف داده شود و برای دانستن این مطلب به داستان مرد عابدی که پنج قران به یک نفر یهودی بدهکار بود و در این کتاب نقل گردید، مراجعه (⁹⁴) شود.

در لئالی الأخبار، از حضرت سجاد (علیه السلام) مروی است که فرمود: روز قیامت دست بنده ای را می گیرند و بلند می کنند که همه او را ببینند و گفته می شود: هر کس بر این شخص حقی دارد باید از او بگیرد و نیست چیزی سخت تر بر اهل محشر از این که ببینند کسی را که ایشان را بشناسد و آشنایی داشته باشد، از ترس اینکه چیزی بر آنها ادعا کند.

در همین کتاب از پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می نماید که به اصحاب فرمود: آیا می دانید که مفلس کیست؟ گفتند: در بین ما کسی است که وجه نقد و اثاثیه و دارایی، هیچ ندارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جز این نیست که مفلس از امت من کسی است که در قیامت بیاید با نماز و روزه و زکات و حج بجا آورده در حالی که به کسی فحش داده و سب کرده و مال دیگری را خورده و خون شخصی را هدر داده و دیگری را زده است، پس از حسناش به این و آن داده می شود و چون حسناش تمام شود و هنوز بدهکار باشد، از گناهان گرفته می شود و به او انداخته می گردد.

حوض کوثر

95) «إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ».

از اموری که مسلم است و در قرآن مجید به آن تصریح شده و روایات عامه و خاصه هم بر طبق آن داریم حوض کوثر است؛ خیر کثیری که خدای تعالی به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مرحمت فرموده است.

طول این حوض - چنانچه قبلاً هم اشاره شد - از صنعاء تا بصره است و به عدد ستارگان آسمان در اطرافش جام می باشد که به دست حورالعین پر شده و به مؤمن داده می شود. جامها مختلف است؛ بعضی، از نقره بهشتی و برخی، از بلور است.

ظاهر بعضی (از آیات و) روایات این است که این حوض سه قسمت است: ... و أنهر من لبن لم يتغير طعمه و أنهر من خمر لذّة للشریین و أنهر من عسل مصفى...⁹⁶⁾. از شراب بهشتی و شیر و عسل می باشد.

بعضی هم فرموده اند که قدر مسلم آن است که حوض محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از عسل شیرین تر، از برف خنک تر است. به به! از چنین حوضی که شرابش گوارا است! هرگز پس از آن ⁹⁷⁾ تشنگی نمی آید.

شیخ شوشتری در خصائص و دیگران هم در کتابهای خود ذکر کرده اند که: حوض کوثر، سقایی اش با محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) است و هر مؤمنی از آن خواهد چشید اما حسینی ها یک خصوصیت دیگری به حوض کوثر دارند که حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: و ان الكوثر لاشد فرحاً لباك الحسين (علیه السلام). دیگران وقتی که به حوض کوثر می رسند، شاد می شوند، امام می فرماید: گریه کننده بر حسین وقتی که به حوض کوثر می آید، حوض کوثر شاد می شود.

برای دانستن تفصیل بیشتری از حوض کوثر به اول کتاب محرم وقایع الایام خیابانی مراجعه شود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خدای تعالی اطراف این حوض، هزار هزار درخت

⁹⁵ کوثر: 1

⁹⁶ مجد (صلی الله علیه و آله و سلم): 15

⁹⁷ و استقنا حوض جده (صلی الله علیه و آله و سلم) بكاسه و بیده ریا رویا هنیئا سائغا لا ظما بعده یا ارحم الراحمین (مفاتیح الجنان / آخر دعای ندبه)

خلق فرموده که هر درختی 360 شاخه و برگ دارد و از هر برگی، نغمه ای بر می خیزد که از دیگری شنیده نمی شود. آواز خوش و طرب انگیز می خواهید، سر حوض کوثر، به شرطی که گوشی که باید چنین صداهای خوش روحانی را بشنود، به لُهو و لعب و موسیقی این جا آشنا (98) نکند.

ظهور عظمت محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

صاحب لواء الحمد و المقام المحمود

از مواقف قیامت، موقفی است که عظمت شأن و جلالت قدر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، ظاهر می شود.

لواء عبارت است از بیرقی از نور که هزار سال راه طول آن است و دارای سه شقه یعنی تکه و پرده است که در روایت می فرماید: هر شقه آن بین شرق و غرب است و در روایت دیگر اعظم من الشمس و القمر است. بر یکی بسم الله الرحمن الرحيم و بر دومی الحمد لله رب العالمین و بر سومی لا (99) اله الا الله محمد رسول الله نقش بسته است.

جميع انبياء و صلحا و مؤمنين، زیر این بیرقی که علمدار آن امیرالمؤمنین است، قرار می گیرند. وسیله: و قرب الیه الوسيله عبارت است از منبری که خاص رسول الله است، دارای هزار پله و هر پله ای تا پله دیگر، زبرجد و زمرد، یاقوت و طلاست، البته از جواهرات بهشتی، درجه آخر که بالای آن هیچ درجه ای نیست، مختص خاتم الانبیاء است. درجه بعدی، وصی بلا فصلش علی بن ابی طالب (علیه السلام) و پله بعدی ابراهیم خلیل الرحمن و بعد، هر یک از انبیا و اوصیا بر طبق درجاتشان مقام محمود: پیغمبر اکرم بر روی چنین منبری شروع به مدح پروردگار می فرماید؛ چنان مدحی کند که از اولین تا آخرین، کسی این طور مدح خدا نکرده و بعد حمد و ستایش از ملائکه و صلحا و مؤمنین می فرماید؛ رهی سعادت و افتخار که در چنین مقام رفیعی اول شخص عالم وجود، یاد کسی نماید: پروردگارا! ما را جزء صلحا قرار ده

98. بحار الأنوار: 26/8 (با اندک اختلاف)

99. بحار الأنوار: 2-1/8

در روز عاشورا این جمله را به دقت بخوانید: و اسئله ان یبلغنی المقام المحمود لکم عندالله^(۱۰۰) از خدای می طلبم که مرا به مقام محمودی که برای شما ای آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد اوست برساند، این مقام ارجمند در اثر شب خیزی^(۱۰۱) رسول خداست که ده سال تا صبح نخواید و آنقدر به عبادت ایستاد که پاهایش ورم کرد

علی (علیه السلام) قسمت کننده بهشت و دوزخ

قسیم الجنة و النار

در همان مقام محمود، جمیل ترین ملائکه نزد پیغمبر آمده سلام می کند و می گوید: من رضوان؛ کلیددار بهشت و کلیدهای بهشت را تقدیم پیغمبر می کند و بعد ملک مهیبی می آید و کلیدهای جهنم را تقدیم می کند. پیغمبر هر دو را به علی (علیه السلام) می سپارد و حضرت نزد صراط می آید، هر کس را که اذن فرمود، به بهشت می رود و گرنه زبانه آتش او را پایین می کشد پیغمبر به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! اطاعت آتش از تو از اطاعت عبد از مولایش بیشتر است.^{۱۰۲}

لزوم اعتقاد به صراط

⁽¹⁰³⁾ و ان الذین لا يؤمنون بالأخرة عن الصراط لنکبون

صراط هم از چیزهایی است که اعتقاد به آن واجب و از ضروریات مذهب است، البته این هم اجمالا باید عقیده داشت، صراط در لغت به معنای راه است، کسانی که در دنیا بر صراط راست بودند؛ یعنی از جاده مستقیم حقیقت، راستی، درستی و دینداری کج نشده اند، در آخرت هم از صراطی که روی جهنم است صحیح و سالم رد خواهند شد. بعضی مانند برق و برخی مانند اسب و پاره ای افتان و خیزان می گذرند تا در دنیا چگونه بوده باشند، هر طوری که در راه شرع سلوک کرده باشند، آن جا

¹⁰⁰ مفاتیح الجنان / زیارت عاشورا

¹⁰¹ و من الیل فتهجد به ی نافلة لک عسی أن یبعثک ربک مقاما محمودا اسراء: 79

¹⁰² معاد شهید دستغیب

¹⁰³ مؤمنون: 74

هم از صراط می گذرند

در تفسیر آیه شریفه و جای ء یومئذ بجهنم...^(۱۰۴) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مروی است که فرمود

فردای قیامت که می شود جهنم را می آورند در حالی که یک هزار مهار دارد و هر مهاری را یک هزار ملک گرفته که هزار هزار ملک مأمور کشاندن جهنم هستند (فرمود:) جهنم نعره می زند و شعله آتش بالا می زند و شکل نگین انگشتر، اطراف خلایق را می گیرد. مردم چنان مضطرب می شوند که نزدیک است هلاک گردند. آن وقت از طرف پروردگار امر می شود صراط را بیاورید. پلی را روی جهنم قرار می دهند که همه باید از این پل عبور کنند. هیچ چاره ای نیست و استثنا هم ندارد. صریح قرآن مجید^(۱۰۵) است. چه بهشتی و چه جهنمی همه باید از این راه بگذرند (فرمود:) این راه هفت عقبه و هر عقبه ای موقوفه‌ایی دارد. هر موقفی هفده هزار فرسخ است و در هر عقبه، هفتاد هزار ملک مأمورند. همه باید از این هفت عقبه رد شوند^{۱۰۶}

ترس حضرت فاطمه(س) از قیامت

روزی رسول خدا(ص) به خانه دخترش آمد و دید او غمگین است. علت را پرسید. حضرت فاطمه(س) فرمود از روز قیامت می ترسم. رسول خدا(ص) فرمود دخترم! آن روز، روز بزرگی است. اول کسی که با من وارد محشر می شود، امیر المؤمنین علی(ع) است. آنگاه جدم ابراهیم(ع) آنگاه تو محشر می شوی و فرشتگان اطراف تو را می گیرند و زنان بهشتی با استقبال تو می آیند. تو در محشر وارد می شوی و عرض می کنی

¹⁰⁴ فجر: 23

و ان منکم الا واردها کان علی ربک حتما مقضیا ثم ننجی الذین اتقوا الظالمین

¹⁰⁵ فیها جثیا مریم: 71-72

¹⁰⁶ برگرفته از کتاب معاد شهید ایه الله سید عبدالحسین دستغیب

خدایا! شیعیان را به من ببخش. ندا می‌رسد ای فاطمه! از هر که دوستدار تو و فرزندان تو است، شفاعت نما. آنوقت تو از شیعیان شفاعت می‌کنی.^{۱۰۷}

عوامل خوشحال بودن در قیامت

1. رضایت خدا از بنده

اگر خدا از اعمال و رفتار بنده خود راضی باشد، در روز قیامت او به صورت خندان و شادمان وارد محشر می‌گردد.

«وَجُوهٌ يُّومِنُ»؛ انس بن مالک می‌گوید: از پیامبر اکرم (ص) درباره آیه شریفه [1] پرسیدم، حضرت فرمود: ای انس! آن چهره‌های خندان و دل‌های «مُسْفِرَةٌ» شاد متعلق به ما فرزندان عبدالمطلب؛ یعنی من، علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین و فاطمه است که از قبرهایمان برمی‌خیزیم، در حالی که نور چهره ما در روز قیامت مانند آفتاب نیم‌روز است، و از اینکه خدای سبحان از ما راضی است، بسیار خوشحال و شاد هستیم و به جهت ثوابی که خدا به ما [و عده داده، شادمان و خندانیم].²

2. عزاداری سید الشهدا (ع)

مرحوم علامه مجلسی می‌نویسد: در بعضی از نوشته‌های معتبر معاصرین دیدم روایت شده است که: وقتی رسول خدا (ص) شهادت امام حسین (ع) و سختی‌ها و محنت‌هایی از او را به دخترش فاطمه (س) خبر داد، ایشان (ع) به شدت گریست و عرض کرد: پدر! این جریان کی اتفاق می‌افتد؟ فرمود: در زمانی که نه من هستم، نه تو و نه علی. گریه فاطمه (علیها السلام) شدیدتر شد و پرسید: پس چه کسی بر حسینم گریه و عزاداری می‌نماید؟ فرمود: فاطمه جان! زنان امت بر زنان اهل بیتم گریه می‌کنند و مردان امت بر مردان اهل بیتم.

اینان هر سال (به یاد شهادت حسین) دسته‌های عزاداری بر پا می‌کنند. پس وقتی قیامت بر پا شد، شما زنان امت را شفاعت می‌کنی و من مردان امت را و هر کدام که بر مصیبت حسین گریه کردند، دستشان را می‌گیریم و وارد

¹⁰⁷ از عالم بعد از مرگ چه خبر؟

بهشت می‌کنیم. ای فاطمه! تمام چشم‌ها در روز قیامت گریانند، به‌جز چشمی که بر مصیبت حسین(ع) گریه کرده باشد که گریه‌کنندگان بر مصیبت حسین(ع) با چهره‌های خندان و شادمان - وارد محشر شده و - از نعمت‌های [بهشتی] بهرمند می‌شوند.[3]

خواندن سوره عبس و عصر 3.

جَاءَ فِي الْقِيَامَةِ «پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که سوره عبس را تلاوت کند [4] در قیامت خوشحال و خندان وارد محشر می‌گردد» **ضَاحِكاً مُسْتَبْشِراً**

و امام صادق (ع) فرمود: هر کس سوره عصر را در نمازهای مستحبی خود [5] خدا روز قیامت «بَعَثَهُ اللَّهُ مُشْرِقاً وَجْهَهُ ضَاحِكاً سِنَّهُ قَرِيراً عَيْنُهُ» بخواند او را با چهره‌ای درخشان و لبانی خندان و چشمانی روشن برانگیزد.

خوشحال کردن مؤمن 4.

امام صادق (ع) در حدیثی طولانی فرمود: هنگامی که خدا مؤمن را از قبرش برمی‌انگیزد، همراه او شبیهی از قبرش خارج می‌شود و در جلوی او حرکت می‌کند. هر زمان که مؤمن هول و هراسی از وحشت‌های روز قیامت ببیند، آن همراه به او می‌گوید: ناله و زاری نکن و اندوهگین مباش! وی از جانب خدا به مؤمن پیوسته سرور و عظمت بزرگی را بشارت می‌دهد، تا اینکه در پیشگاه خدای عزّ و جلّ می‌ایستد تا از او حسابرسی ساده و راحتی شود و به بهشت فرمان یابد.

در اینجا نیز آن شبیه در جلوی او حرکت می‌کند، مؤمن به او می‌گوید: خدا تو را رحمت کند! چه همراه خوبی هستی، پیوسته مرا به سرور و کرامت از **أَنَا السُّرُورُ** «خدا بشارت دادی تا این لحظه را دیدم. راستی تو کیستی؟ گوید **الَّذِي كُنْتُ أَدْخَلْتُ عَلَى أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ** [6] من همان سرور و شادی هستم که تو در دنیا بر قلب برادر «**لَأُبَشِّرَكَ** مؤمنت وارد کردی. خدای عزّ و جلّ مرا از آن آفرید تا تو را بشارت دهم.

اکرام فقیر 5.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس فقیر مسلمانی را اکرام کند [7] روز قیامت خدا را با چهره «**لَقِيَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ يَضْحَكُ إِلَيْهِ**» خندان ملاقات خواهد نمود.

پی‌نوشت ها

عبس / 38. [1]

عن أنس بن مالك قال: سألت رسول الله (صلی الله علیه و آله) عن قوله: « [2]. [وَجُوهٌ يُؤْمِنُ مُسْفِرَةٌ] قال: يا أنس ! هي وجوهنا بني عبد المطلب أنا و علي و حمزة و جعفر و الحسن و الحسين و فاطمة، نخرج من قبورنا و نور وجوهنا كالشمس الضاحية يوم القيامة، قال الله تعالى: [وَجُوهٌ يُؤْمِنُ مُسْفِرَةٌ] يعني مشرقة بالنور في أرض القيامة (ضاحكة) فرحانة برضاء الله عنا (مستبشرة) بثواب الله الذي وعدنا. » شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبيد الله بن احمد حسكاني، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1411 ق، ج 2، ص 423، ح 1080.

رَأَيْتُ فِي بَعْضِ تَأْلِيفَاتِ بَعْضِ الثَّقَاتِ مِنَ الْمُعَاصِرِينَ رُويَ أَنَّهُ لَمَّا أَخْبَرَ « [3]. النَّبِيُّ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ بِقَتْلِ وَلَدِهَا الْحُسَيْنِ وَ مَا يَجْرِي عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْحَنِ بَكَتْ فَاطِمَةُ بَكَاءً شَدِيداً وَ قَالَتْ يَا أَبَتِي مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ فِي زَمَانٍ خَالَ مِيتِي وَ مَعَكَ وَ مِنْ عَلَيَّ فَاشْتَدَّ بُكَاءُهَا وَ قَالَتْ يَا أَبَتِي فَمَنْ يَبْكِي عَلَيَّ وَ مَنْ يَلْتَزِمُ بِإِقَامَةِ الْعَزَاءِ

لَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ نِسَاءَ أُمَّتِي يَبْكُونَ عَلَى نِسَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ رَجَالُهُمْ يَبْكُونَ عَلَى رَجَالِ أَهْلِ بَيْتِي وَ يُجِدُّونَ الْعَزَاءَ جَبَلًا بَعْدَ جَبَلٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَإِذَا كَانَ الْقِيَامَةُ تَشْفَعِينَ أَنْتَ لِلنِّسَاءِ وَ أَنَا أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ وَ كُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَ أَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ. « بحار الأنوار، ج 44، ص 292 و 293، باب 34، ح 37

.همان، ص 449. [4]

.المصباح كفعمي، ص 452. [5]

الكافي، ج 2، ص 190، باب إدخال السرور على المؤمنين، ح 8؛ أمالي، [6].

شيخ مفيد، كنز حقه شيخ مفيد، قم، 1413 ق، ص 178، مجلس 22، ح 8

.وسائل الشيعة، ج 12، ص 268، باب 146، ح 10. [7]

﴿ الْقَارِعَةُ * مَا الْقَارِعَةُ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ * يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ * وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

﴿ الْمَنْفُوشِ ﴾

های سرگردان و پراکنده باشند و کوبنده، چیست؟ آن کوبنده؟ چه دانی که کوبنده چیست؟ آن روز که مردم مانند پروانه

شده درآیندها همچون پشم زده کوه

ایات قیامت:

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (بقره 23)

از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند؛ و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود؛ و !شفاعت، او را سود نمی دهد؛ و (از هیچ سوئی) یاری نمی شوند

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (ال عمران 77)

کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می فروشند، آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی گوید و به آنان در قیامت نمی نگرد و .آنها را (از گناه) پاک نمی سازد؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (ال عمران 91)

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیة (و کفاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، .مجازات دردناک است؛ و یاورانی ندارند

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (ال عمران 106)

(آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هائی سفید، و چهره‌هائی سیاه می‌گردد، اما آنها که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته می‌شود:) آیا بعد از ایمان، و (اخوت و برادری در سایه آن)، !کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (ال عمران 107)

و اما آنها که چهره‌هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود؛ و جاودانه در آن می‌مانند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَن لَّهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مائده 36)

بیقین کسانی که کافر شدند، اگر تمام آنچه روی زمین است و همانند آن، مال آنها باشد و همه آن را برای نجات از کیفر روز قیامت بدهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و مجازات دردناکی خواهند داشت.

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (یونس 45)

(به یاد آور) روزی را که (خداوند) آنها را جمع (و محشور) می سازد؛ آنچنان که (احساس می کنند) گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) توقّف نکردند؛ به آن مقدار که یکدیگر را (بینند و) بشناسند!
 !مسلماً آنها که لقای خداوند (و روز رستاخیز) را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند
 وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (ابراهیم 42)
 گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی ... تأخیر انداخته است که چشمها در آن (به خاطر ترس و وحشت) از حرکت باز می ایستد

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (نحل 27)

سپس روز قیامت خدا آنها را رسوا می سازد؛ و می گوید: «شریکانی که شما برای من ساختید، و بخاطر آنها با دیگران دشمنی می کردید، کجا هستید؟!» (در این هنگام)، کسانی که به آنها علم داده شده
 «!می گویند: «رسوایی و بدبختی، امروز بر کافران است

و يَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (کهف 47)
 و روزی را به خاطر بیاور که کوهها را به حرکت درآوریم؛ و زمین را آشکار (و مسطح) می بینی؛ و
 !همه آنان [= انسانها] را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد

وَ عَرِّضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا (کهف 48)

آنها همه در یک صف به (پیشگاه) پروردگارت عرضه می شوند؛ (و به آنان گفته می شود:) همگی نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم! اما شما گمان می کردید ما هرگز موعدی
!برایتان قرار نخواهیم داد

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا
كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (كهف 49)

و کتاب [= کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست] در آن جا گذارده می شود، پس گنهکاران را می بینی
که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند؛ و می گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ
عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است
. که) همه اعمال خود را حاضر می بینند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا (كهف 52)

به خاطر بیاورید روزی را که (خداوند) می گوید: «همتایانی را که برای من می پنداشتید، بخوانید (تا به
کمک شما بشتابند!)» ولی هر چه آنها را می خوانند، جوابشان نمی دهند؛ و در میان این دو گروه،
!کانون هلاکتی قرارداده ایم

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (مریم 37)

ولی (بعد از او) گروه هایی از میان پیروانش اختلاف کردند؛ وای به حال کافران از مشاهده روز
!بزرگ (رستاخیز)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (مریم 85)

...در آن روز که پرهیزگاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پادشاهای او) محشور می کنیم

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا (مریم 86)

...و مجرمان را (همچون شتران تشنه کامی که به سوی آبگاه می روند) به جهنم می رانیم

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ
بِنَا حَاسِبِينَ (انبیا 47)

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛ و اگر
بمقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم؛ و کافی است که ما
!حساب کننده باشیم

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ (انبیا 49)

!همانان که از پروردگارشان در نهان می ترسند، و از قیامت بیم دارند

وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هٰذَا بَلْ كُنَّا
ظَالِمِينَ (انبیا 97)

و وعده حق [= قیامت] نزدیک می شود؛ در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت
!باز می ماند؛ (می گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم
يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (انبیا 104)

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می گردانیم؛ این وعده ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد.

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (طه 100)

هر کس از ذکر الهی روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسؤولیت) بر دوش خواهد داشت!

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (طه 102)

همان روزی که در «صور» دمیده می شود؛ و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن روز جمع می کنیم!

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ ۖ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (طه 109)

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است.

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه 124)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را «انابینا محشور می کنیم»

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (حج 1)

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (حج 2)

روزی که آن را می بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرامی گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد؛ و مردم را مست می بینی،! در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ (مومنون 101)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود؛ و از یکدیگر تقاضای کمک نمی کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ (نور 37)

مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند؛ . آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می شود

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نور 64)

آگاه باشید که برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ او می‌داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می‌داند) روزی را که بسوی او باز می‌گردند؛ و (در آن روز) آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می‌سازد؛ و خداوند به هر چیزی داناست

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (شعرا 88)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد،

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (شعرا 135)

«!(اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَرَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوَهُ
دَاخِرِينَ (نمل 87)

و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می‌شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می‌روند، جز کسانی که خدا خواسته؛ و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می‌شوند!

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (روم 55)

و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! اینچنین از درک حقیقت باز گردانده می‌شوند

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْدِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (روم 57)

. آن روز عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان ندارد، و توبه آنان پذیرفته نمی شود

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (سجده 12)

و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده، می گویند: «پروردگارا! آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته‌ای انجام دهیم؛ ما (به قیامت) »! یقین داریم

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (یس 49)

(اما) جز این انتظار نمی کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فراگیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (یس 50)

! (چنان غافلگیر می شوند که حتی) نمی توانند وصیتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (یس 51)

(بار دیگر) در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان
!می‌روند

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ نُوْ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (یس 52)

می‌گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که
»! خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (یس 53)

!صیحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی‌خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می‌شوند

صافات:

إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾ أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾ فَإِنَّمَا
هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي
كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾ احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَاهُ جَهَنَّمَ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ
إِلَىٰ صِرَاطٍ الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾ وَقِفُوهُمْ ۖ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾

با تکبر فریاد می‌زنند 😊 آیا زمانی که به کام مرگ افتادیم و خاک و استخوان [پوسیده] شدیم، آیا [
حتماً برانگیخته می‌شویم؟ »16] آیا پدران نخستین ما [که حتی ذره‌ای از استخوان هایشان باقی نمانده
زنده می‌شوند؟] »17 بگو: آری [زنده می‌شوید،] درحالی که [به سبب انکار معاد در زمان زنده

شدنتان] خوار و ذلیل خواهید بود «18» [وقوع قیامت بر ما کار دشواری نیست،] جز این نیست که [برپاشدن] آن فقط [با] یک فریاد سهمناک است که ناگهان [بهت زده، عرصه قیامت را] مشاهده می کنند «19» می گویند: وای بر ما، این است روز جزا! «20» [به آنان گویند: آری] این همان روز جداسازی [بین حق و باطل] است که همواره منکر آن بودید «21» [آن گاه ندا می رسد] ستمکاران [به آیات ما،] و همردیفان آن ها [چون شیاطین جنّی و انسی]، و معبودهایی را که آنان پیوسته [بدون دلیل] می پرستیدند یکجا جمع کنید «22» [همان معبودانی که] به جای خداوند [می پرستیدند] همه و همه را به راه دوزخ راهنمایی کنید «23» و [بر سر راه دوزخ] نگاهشان دارید که مسلماً مورد بازپرسی «قرار خواهند گرفت» 24

زمر: فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۚ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ أَلَا ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵) لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۚ ذَلِكُمْ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ ۚ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

پس شما هر چه را می خواهید به جای او پرستید. بگو: بی تردید زیان کاران [واقعی] کسانی هستند که در قیامت [بینند سرمایه های وجودی] خود و اهلشان را [به سبب پرستش غیر خدا] تباہ کرده اند، آگاه باشید زیان آشکار همین است! «15» برای آنان از بالای سرشان و از زیر پایشان طبقاتی از آتش است، این [عذابی] است که خداوند [همه] بندگانش را از آن می ترساند، ای بندگانم! خود را [از این که نسبت به من نافرمان باشید] حفظ کنید «16»

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)

آیا کسی که روز قیامت [به علت اوج ناتوانی و بسته بودن دست هایش] می خواهد [با سپر قراردادن] صورتش آسیب عذاب را [از خود] دفع کند، [مانند کسی است که از عذاب ایمن است؟] به

ستمکاران [به آیات حق] گفته می شود: آن اعمال [بدی] را که همواره مرتکب می شدید [و اکنون به صورت عذاب رخ نشان می دهد] بچشید! «24

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بُعْتَهُ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾

و از [قرآن]، بهترین کتابی که از جانب پروردگارتان [برای تأمین خیر دنیا و آخرتتان] به سوی شما فرستاده شده پیروی کنید، پیش از آن که ناگهان و درحالی که در بی خبری به سر می برید عذاب به شما برسد «55» تا [مبادا] کسی [به هنگام محاصره شدن در عذاب] بگوید: افسوس که در حق خداوند «[و اطاعت از او] کوتاهی و تقصیر کردم، و همانا از مسخره کنندگان [آیاتش] بودم!» 56

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ ۚ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۖ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

در صور دمیده می شود، پس هر کس در آسمان ها و زمین است می میرد مگر کسی که خدا بخواهد [زنده بماند]، سپس بار دیگر در صور دمیده می شود ناگاه همه به پامی خیزند و [مات و مبهوت] انتظار می کشند [که سرانجام کارشان چه خواهد شد] «68» زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و کتاب [اعمال همه انسان ها] را [به دست آنان] می دهند، و پیامبران و گواهان را [برای شهادت دادن

درباره اعمال امت ها به عرصه محشر می آورند، و بین مردم براساس قسط و عدل داوری می شود و مورد ستم قرار نمی گیرند «69» و به هر کس آنچه را انجام داده به طور کامل [به صورت بهشت یا دوزخ] می دهند، خداوند به اعمالی که انجام می دهند داناتر است [که چگونه در حقشان داوری شود، و چه پاداش یا کیفری دریافت کنند] «70» کافران را گروه گروه به سوی دوزخ می رانند، چون به دوزخ رسند درهایش گشوده می شود و نگهبانانش به آنان می گویند: آیا پیامبرانی از [جنس] خودتان به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند، و شما را از دیدن امروزتان هشدار دهند؟ گویند: آری [آمدند]، ولی [فعلاً چه کنیم که] وعده عذاب بر کافران حتمی و ثابت شده است؟ «71» [به آنان] گویند: از درهای دوزخ وارد شوید که در آن جاودانه خواهید بود، پس بد جایگاهی است جایگاه آنان که [در برابر حق و آیاتش] متکبرند، [و در برابر پیامبران خودبزرگ بینند] «72» ولی آنان که از پروردگارشان [اطاعت کرده، و از محرّماتش] پرهیز داشتند [همه] را گروه گروه به بهشت می برند، تا چون به آن رسند درحالی که درهایش [از پیش] گشوده شده، نگهبانانش به آنان گویند: سلام [و امنیت همه جانبه] بر شما باد! [ای پاک سیرتان پاکیزه وجود! این بهشت های پُر نعمت الهی] بر شما گوارا باد! پس وارد آن شوید که در آن جاودانه اید «73» و [چون آنان وارد بهشت شوند] می گویند: همه ستایش ها ویژه خداوند است که به وعده اش درباره ما وفا کرد، و این سرزمین [جاویدان] بهشت را به ما میراث داد که در هر کجای آن بخواهیم منزل می گیریم، [آری] «پاداش عمل کنندگان نیکوست!» «74»

غافر:

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۖ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينَ ۚ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿١٩﴾

امروز هرکس را در برابر آنچه انجام داده است پاداش می دهند، امروز هیچ ستمی وجود ندارد، همانا خداوند حسابرسی سریع است» 17» آنان را از روز نزدیک [روز قیامت] هشدار ده! آن گاه که جان ها [از شدت ترس] به لب می رسد، درحالی که همه وجودشان پر از اندوه است، برای ستمکاران [به آیات خدا و پیامبران]، نه دوستِ مهربانی خواهد بود و نه شفیعِی که شفاعتش پذیرفته «شود!» 18» خداوند خیانت چشم ها، و آنچه را سینه ها پنهان می دارند می داند» 19

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا ۖ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

[غذابشان] آتشی [است] که ایشان را صبح و شام [برزخ] در معرض آن قرار می دهند، و روزی که قیامت برپا شود، [ندا آید:] فرعونیان را در سخت ترین عذاب درآورید» 46

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ ۖ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾

همان روزی که عذرخواهی ستمکاران هیچ سودی به حالشان ندارد، و برای آنان لعنت و سرای بدی [چون دوزخ] است» 52

شوری:

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ ۖ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ

آنان را مشاهده می کنی که در معرض آتش قرارشان می دهند، درحالی که از شدت خواری سرافکنده اند، و زیرچشمی نگاهی [ترس آلود] می کنند، در آن حال مؤمنان می گویند: همانا زیان کاران کسانی هستند که [همه سرمایه های وجودی] خود و کسانشان را در قیامت تباه کرده اند، آگاه باشید! مسلماً ستمکاران در عذابی پایدار خواهند بود» 45

زخرف:

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ إِلَّا خِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ
﴿٦٧﴾ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾

آیا جز قیامت را انتظار می کشند که ناگهان درحالی که نمی فهمند به سراغشان آید؟! «66» در آن روز دوستان، [که دوستی شان بر محور مادیات بود،] دشمن یکدیگرند، مگر آنان که [از خداوند اطاعت می کردند، و از محرّماتش] پرهیز داشتند «67» [خداوند در آن روز به آنان خطاب می کند 😊] ای بندگانم! امروز نه بیمی بر شماست، و نه اندوهگین خواهید شد «68»

دخان:

نَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾

بی تردید روز جداسازی [حق از باطل، و مؤمن از کافر] وعده گاه همه آنان است «40» [همان] روزی که هیچ دوستی چیزی [از عذاب] را از دوستش برطرف نمی کند، و نیز یاری نخواهند شد «41» جز «کسی که خداوند [او را] مورد رحمت قرار دهد؛ زیرا او توانای شکست ناپذیر و مهربان است «42»
جائیه:

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٧﴾ وَتَرَىٰ كُلُّ أُمَّةٍ جَائِيَةً ۖ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَٰذَا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُم بِالْحَقِّ ۚ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ ۖ إِنَّ نَظْنَ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَقِينَ ﴿٣٢﴾

مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداوند است، و روزی که قیامت برپا شود آن روز باطل گرایان زیان خواهند دید «27» [در آن روز] هر امتی را به زانو در افتاده می بینی، [و در آن عرصه عظیم] هر امتی را به سوی نامه اعمالشان می خوانند [و به آنان می گویند] امروز [همه] آنچه را که همواره انجام می دادید به شما پاداش می دهند «28» این نوشته [منظم و دقیق] ماست که براساس حق و درستی بر ضد شما سخن می گوید، ما آنچه را شما همواره [در دنیا] انجام می دادید می نوشتیم «29» پس کسانی که مؤمن بودند و کارهای شایسته انجام دادند پروردگارشان آنان را در رحمت خود در آورد، این همان کامیابی آشکار است! «30» اما [خداوند به] کافران [می گوید] مگر آیاتم را همواره بر شما نمی خواندند؟ ولی شما [از پذیرش آن] تکبر می کردید، و مردمی گناه پیشه بودند «31» چون [به شما] می گفتند: به یقین وعده خداوند حق است، و در [وقوع] قیامت هیچ تردیدی نیست، می گفتید: ما نمی فهمیم قیامت چیست، و [وقوعش را] گمان نمی بریم جز گمانی «[ضعیف و غیر قابل اعتماد]، و [به آن] یقین نداریم» 32

قمر:

خُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ﴿٧﴾ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ ۖ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾

آنان چون ملخ های پراکنده در حالی که چشمانشان [از سختی هراس قیامت] به زیر افتاده از قبرها بیرون می آیند «7» با گردن های کشیده شتابان و سریع به سوی آن دعوت کننده می روند، کافران «می گویند: امروز، روز بسیار سختی است! 8»

رحمن: فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ فَبَآئٍ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ﴿٣٩﴾ فَبَآئٍ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

در آن هنگام آسمان بشکافد، و همانند چرمی گلگون گردد «37» پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ «38» در آن روز از گناه هیچ انس و جنی [به سبب روشن بودن

اوضاع و احوالش] پرسیده نمی شود «39» پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟» 40

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالْأَوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

گناه پیشگان را از نشانه هایشان می شناسند، پس موهای جلوی سر و پاهایشان را می گیرند] و به دوزخشان می اندازند [41]

واقعہ:

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لِمَنْ لَوْفَعَتِهَا كَازِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿٦﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾

هنگامی که حادثه [بسیار مهم قیامت] رخ دهد «1» که در رخ دادنش هیچ دروغی در کار نیست «2» پست کننده [کافران] و بالابرنده [مؤمنان] است «3» چون [همه] زمین را به شدت بلرزانند «4» و کوه ها را درهم کوبیده و متلاشی کنند «5» در نتیجه چون غباری پراکنده گردند «6» شما [در آن روز] سه گروه خواهید بود «7» سعادتمندان، چه بلندمرتبه اند سعادتمندان! «8» نگون بختان، چه دون پایه اند نگون بختان! «9» پیشتازان [به همه خیرات]، که پیشتازان [به پاداش بی نهایت] اند «10» اینان مقربان [پیشگاه پروردگار] اند «11»

حَدِيد: يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۖ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ

وَتَرَبَّصُّهُمْ وَارْتَبُتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ مَأْوَاكُمُ النَّارُ ۚ هِيَ مَوْلَاكُمْ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

در روزی که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیش آنان و از طرف راستشان به سرعت حرکت می کند، [تا در پرتو آن به مقصدشان راه یابند، گفته می شود 😊] امروز شما را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است مژده باد، در آن ها جاودانه اید، این است آن کامیابی بزرگ! «12» روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: به ما مهلت دهید تا پرتوی از نورتان بگیریم. [به آنان] گفته می شود: به پشت سرتان، [دنیا] بازگردید و [از آن جا] نوری به دست آورید؛ [زیرا امروز فقط روز حساب و پاداش است]. پس میانشان حصاری بلند کشیده می شود که دارای دری است، درونش رحمت و از ناحیه بیرونش عذاب است «13» [این تیره بختان،] مؤمنان را ندا می دهند: مگر ما [در دنیا] با شما نبودیم؟ می گویند: آری [بودید]، ولی خود را [به سبب نفاق، استهزای آیات، خدعه با مؤمنان و همدستی مخفیانه با دشمن] به هلاکت انداختید، شما به انتظار [خاموش شدن چراغ اسلام و شکست مؤمنان] نشستید، و [نسبت به وحی] در تردید بودید، و آرزوها شما را فریفت، تا فرمان خدا [که مرگتان بود] رسید، و [در هر صورت] شیطان فریبده شما را درباره خدا فریفت [و گفت او رحیم و غفور است؛ پس از گناه باک نداشته باشید] «14» پس امروز نه از شما عوضی [در برابر نجات از عذاب] می گیرند، و نه از کسانی که کافر شده اند، جایگاهتان آتش است، فقط آتش یار و سزاوار شماس، و [آتش] بدعاقبتی است

مجادله:

يَوْمَ يَعْتَصِمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَنْبُتُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۚ أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٦﴾

[آن عذاب در] روزی [است] که خداوند همه آنان را برمی انگیزد و به اعمالی که انجام داده اند آگاهشان می کند؛ [اعمالی که] خداوند [شماره] آن ها را محفوظ داشته، ولی آنان فراموشش کرده اند! خداوند بر هر چیزی ناظر و حاضر است «6»

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ
الْكَاذِبُونَ ﴿١٨﴾

روزی که خداوند همه آنان را برمی انگیزد پس آن گونه که برای شما سوگند [دروغ] می خوردند
برای خداوند [هم سوگند] دروغ می خورند، و گمان می کنند [با این سوگند دروغ] بر تکیه گاه
استواری [متکی] هستید! آگاه باشید که اینان دروغ پیشه اند [و وجودشان خالی از صدق و راستی
است]! ۱۸

ممتحنه:

لَنْ تَنْفَعَكُم أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ ۚ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُفَصِّلُ بَيْنَكُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾

روز قیامت [که کيفر دوستی با دشمنان را می دهند] هرگز خویشان و فرزندانان سودی به حال شما
«ندارند، [خداوند] بین شما و آنان جدایی می اندازد، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست» 3
تغابن:

يَوْمَ يَجْمَعُكُمُ الْيَوْمَ الْجَمْعُ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۚ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ
وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

روزی [می رسد] که [خداوند] شما را در «یومُ الجمع» [که روز قیامت است] جمع می کند، آن [روز]،
روز ظهور خسارت است، آنان که مؤمن به خداوند و کار شایسته انجام می دهند [خداوند] گناهانشان
را از آنان محو می کند، و به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درمی آورد در
«آن جا همواره جاودانه اند، این است کامیابی بزرگ»! 9

...

تحریم:

أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدِرُوا الْيَوْمَ ۚ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧﴾

ای کافران! امروز [که روز کیفر است] عذرخواهی نکنید، فقط به آنچه همواره انجام می دادید

«کیفرتان می دهند» 7

...

ملک 27:

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

و چون آن [وعدۀ برحق] را نزدیک ببیند چهرۀ کافران [از شدت ناراحتی] زشت و کریه شود، [به

آنان] گویند: این است آنچه همواره [از روی تمسخر] می خواستید» 27

...

قلم:

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

[یاد کن از] روزی که کار بر مشرکان بسیار دشوار شود، [آن روز که جای هیچ تکلیفی نیست] به

سجده کردن دعوتشان کنند ولی از عهده برنایند» 42

الحاقه: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفَخَهُ وَاحِدَةً ﴿١٣﴾ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿١٦﴾ وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا ۚ وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ﴿١٧﴾ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ يَمِينًا فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَأُوا كِتَابِيَةَ ﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾ فِي جَنَّةٍ

عَالِيَهُ (٢٢) قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (٢٣) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (٢٤) وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ (٢٥) وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ (٢٦) يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ (٢٧) مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ (٢٨) هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ (٢٩) خُدُوهُ فَعُلُوهُ (٣٠) ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (٣١) ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (٣٢) إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (٣٣) وَلَا يَحْضُرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (٣٤)

چون در صور بدمند، یک دمیدن! «13» و زمین و کوه ها [از جای خود] برداشته شوند، و هر دوی آن ها را در هم کوبند، یک در هم کوبیدن! «14» در آن روز آن واقعه بزرگ واقع می شود! «15» و آسمان بشکافد، و در آن روز است که [نظام] آسمان سست [شده و متلاشی] می گردد «16» و فرشتگان [برای انجام مأموریت هایشان] در نواحی و اطراف آن قرار می گیرند، در آن روز هشت فرشته، [نظام تدبیر و] فرمانروایی پروردگارت را بر فراز همه آن ها حمل می کنند «17» آن روز همه شما را [برای حسابرسی] در معرض [پروردگارتان] قرار می دهند درحالی که هیچ [نیت و عمل] پنهان شما پوشیده نمی ماند «18» اما کسی که پرونده اش را به دست راستش دهند [از خوش حالی] فریاد می زند: ای مردم! پرونده ام را بگیرید و بخوانید «19» من یقین داشتم که با حسابرسی اعمالم روبه رو خواهم شد، [به این سبب اعمالم را هماهنگ با احکام خدا انجام دادم و بدی هایم را اصلاح کردم «20» پس او در زندگی خوش و پسندیده ای قرار خواهد گرفت «21» در بهشتی برین «22» که همه میوه هایش به آسانی در دسترس است «23» [به آنان گویند] به پاداش اعمالی که در گذشته انجام دادید بخورید و بیاشامید! گوارایتان باد! «24» و اما کسی که پرونده اعمالش را به دست چپش دهند، می گوید: ای کاش پرونده ام را به من نمی دادند! «25» و نمی دانستم حساب من چیست «26» ای کاش همان مرگ اول [که مرا از دنیا به آخرت انتقال داد] کارم را یکسره می کرد [و در نیستی ابد قرارم می داد]. «27» ثروتم [عذابم را] از من برطرف نکرد «28» قدرتم از دستم رفت «29» [فرمان رسد] او را بگیرید و در غل و زنجیرش ببندید! «30» سپس او را در آتش فروزان بسوزانید! «31»

آن گاه او را در زنجیری که طولش هفتاد ذراع است ببندید! «32» زیرا او به خدای بزرگ ایمان نمی آورد «33» و [مردم را] بر طعام دادن نیازمندان تشویق نمی کرد «34»

معارج:

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿٦﴾ وَتَرَاهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

درخواست کننده ای عذاب شدید واقع شدنی را درخواست کرد «1» عذابی که ویژه کافران است، و آن را بازدارنده ای نیست «2» [این عذاب که کیفر کفر کافران می باشد] از سوی خداوند صاحب درجات است «3» فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می روند «4» پس [در برابر آزار دشمنان] صبر کن؛ صبری نیکو! «5» کافران آن [عذاب] را دور می بینند «6» و ما آن را نزدیک می بینیم «7» روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد «8» و کوه ها مانند پشم «رنگین حلاجی شده گردد» «9» و هیچ خویشاوندی از [اوضاع و احوال] خویشاوند نپرسد «10»

يُبْصِرُوهُمْ ۖ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِنَا بِنِّهِ ﴿١١﴾ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿١٣﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ﴿١٤﴾ كَلَّا ۖ إِنَّهَا لَطٰٓئِلٌ ۖ نَزَّاعَةٌ لِلشَّوٰى ۖ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى ۖ ﴿١٧﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَى ۖ ﴿١٨﴾

خویشان را به یکدیگر نشان می دهند [ولی به خاطر دل مشغولی به آنان توجه نکنند]، گناه پیشه آرزو می کند ای کاش می توانست فرزندانش را در برابر [نجات از] عذاب آن روز عوض بدهد! «11» و همسر و برادرش را «12» و خویشان نزدیکش را که به او پناه می دادند «13» و نیز همه کسانی که در زمینند، تا او را [از عذاب] نجات دهد «14» چنین نیست [که راه نجاتی برایش باشد]، همانا آتش سوزنده زبانه می کشد «15» درحالی که اعضا و پوست سر را برمی کند «16» [آتش] هر که را [به

اسلام] پشت کرده و [از دعوت پروردگار] روی برتافته [به سوی خود] می خواند «17» و [نیز] آن را که [ثروت فراوانی] جمع کرده و ذخیره ساخته است «18»

فَذَرَهُمْ يَخْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٤٢﴾ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ﴿٤٣﴾ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۚ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

پس آنان را واگذار که [در سخنان باطلشان] غوطه ور شوند، و سرگرم بازیگری باشند تا آن روزشان را که به آن تهدید شده اند دیدار کنند «42» روزی که شتابان از گورها بیرون می آیند، گویی به سوی نشانه های نصب شده می دوند «43» درحالی که دیدگانشان [از شدت ترس] فروافتاده، و خواری شکننده ای آنان را فرامی گیرد، این همان روزی است که همواره به آن تهدید می شدند «44»

مزمل:

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾

در روزی که زمین و کوه ها به لرزه در آیند، و کوه ها به صورت توده هایی از شن روان گردند «14» فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾

اگر [امروز] منکر [حقایق] شوید پس چگونه خود را از [عذاب] روزی که کودکان را پیر می کند حفظ می کنید؟! «17» آسمان به خاطر [کوبندگی] آن [روز] می شکافد، همانا وعده خدا شدنی است مدثر:

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾ فَذَٰلِكَ يَوْمُنَا عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾

چون در صور بدمند «8» آن روز، روز بسیار سختی است «9» [هرگز] بر کافران آسان نیست «10»

نبا:

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾

روزی که در صور دمیده شود، و شما گروه گروه [به عرصه محشر] می آیید «18» و آسمان را می گشایند، پس [برای عبور عرشی صفتان به سوی بهشت،] به صورت درهایی [باز] می گردد «19» و کوه ها را [از جای خود] روان می کنند، پس مانند سراب می شوند «20»

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا ۖ لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ ۖ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾

روزی که روح و فرشتگان در یک صف [برای انجام مأموریت] می ایستند، و سخن نمی گویند مگر کسی که خداوند مهربان به او اجازه دهد، او هم [پس از اجازه،] سخن حق و درست خواهد گفت «38»

نازعات:

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿٩﴾ يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾ إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ﴿١١﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾

[که همه شما برانگیخته می شوید،] روزی که لرزاننده [همه چیز را] بلرزاند «6» درحالی که [لرزاننده] دیگری به دنبال آن در آید «7» در آن روز دل هایی به شدت مضطرب گردد «8» چشمان [صاحبان] آن دل ها [از ترس اوضاع قیامت] فرو می افتد «9» [این منکران اکنون که در دنیا هستند] می گویند: آیا ما را [پس از مرگ] به همان حیاتی که در دنیا داشتیم باز می گردانند؟ «10» [شگفتا!] آیا وقتی استخوان های پوسیده و ریز ریز شدیم [به حیاتی مجدد برمی گردیم؟! «11»] [از روی تمسخر] می گویند: باز گشت دوباره در آن زمان باز گشتی زیان بار است «12» [آری بازتان می گردانند،] و آن

بازگشت فقط با یک بانگ عظیم است [و بس] «13» ناگهان همه بر زمین صاف و هموار [صحرای
قیامت] حاضر می شوند «14»

عبس:

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (۳۳) يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴) وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ (۳۵) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶) لِكُلِّ امْرِئٍ
مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ (۳۹) وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ
(۴۰) تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۴۱) أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ (۴۲)

هنگامی که آن صدای مهیبِ کرکننده دررسد «33» روزی که آدمی از برادرش می گریزد «34» و از
مادر و پدرش «35» و از همسر و فرزندان «36» در آن روز هر کس از آنان را گرفتاری و کاری است
که برای او [از اینکه نتواند به کار دیگر پردازد] بس است «37» در آن روز چهره هایی درخشان و
نورانی است «38» خندان و خوش حال «39» و چهره هایی در آن روز غبار [تیره بختی] بر آن ها
«نشسته» «40» سیاهی ذلت باری آن ها را پوشانده «41» آنان همان کافران بدکارند «42»

تکویر:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳) وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَإِذَا
الْخُحُوشُ حُشِرَتْ (۵) وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶) وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ
ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹) وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱) وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲) وَإِذَا
الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (۱۳) عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ (۱۴)

هنگامی که خورشید را درهم پیچند «1» و ستارگان تیره و بی نور شوند «2» و کوه ها را [از جا برکنند
و] به حرکت آرند «3» و اموال با ارزش رها و بی صاحب شود «4» و حیوانات وحشی را گرد
آورند «5» و دریاها مشتعل و برافروخته گردند «6» و هر کس با همسان خود جفت شود، [خوب با
خوب، بد با بد] «7» و از دختر زنده به گور شده برسند، «8» که به کدام گناه کشته شده است؟! «9» آن

زمان که نامه های اعمال را بکشایند «10» و آسمان را برکنند و برچینند «11» و دوزخ افروخته شود «12» و بهشت را نزدیک آرند «13» [در چنان هنگامه هایی] هر کس به آنچه [از عمل] آماده «کرده آگاه شود» 14

انقطاع:

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمْتَ نَفْسُ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾

هنگامی که آسمان بشکافد «1» و ستارگان پراکنده شوند «2» و دریاها به هم پیوندند «3» و گورها زیرورو گردند «4» هر کس به آنچه [از خیر و شر] پیش فرستاده، و [به آثاری که از خود] باقی گذاشته «آگاه می شود» 5

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ۖ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

تو چه می دانی روز جزا چیست؟ «17» باز هم تو چه می دانی روز جزا چیست؟ «18» روزی که کسی «از کسی چیزی [از عذاب] را دفع نمی کند، در آن روز حکومت و فرمانروایی ویژه خداست» 19
انشقاق:

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾

هنگامی که آسمان بشکافد «1» و [فرمان] پروردگارش را اطاعت کند، و شایسته است که چنین باشد «2» و هنگامی که زمین گسترده شود «3» و آنچه را در درون دارد بیرون اندازد، و کاملاً تخلیه «گردد» 4 و [فرمان] پروردگارش را اطاعت کند، و شایسته است که چنین باشد «5»

...

طارق:

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

روزی که باطن ها آشکار شده، [و مورد محاسبه قرار می گیرند] 9» پس انسان را [برای دفع کیفر] نه قدرتی است، و نه یآوری

غاشیه:

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ﴿٣﴾

آیا خبر آن حادثه هولناک فراگیر به تو رسیده است؟ 1» چهره هایی در آن روز شکسته و خوارند 2»
«آنان که [در دنیا] تلاش پُرزحمت داشتند، و از آن [در قیامت] به طور کامل بی بهره اند 3»

فجر:

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۚ ﴿٢٣﴾

چنین نیست [که می گوئید مورد اهانت خدا قرار گرفته اید]، هنگامی که زمین به شدت در هم کوبیده شود 21» و [فرمان] پروردگارت [مبنی بر انجام امور قیامت] دررسد، و فرشتگان صف به صف [برای اجرای مأموریتشان بیایند] 22» در آن روز، دوزخ را [در برابر دیدگان همه] حاضر کنند، [آن وقت است که] انسان متذکر [همه امور] می شود، ولی این متذکر شدن چه سودی برای او دارد؟! 23»

زلزال: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

چون زمین را با شدیدترین لرزشش بلرزانند»¹ و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد»² و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟»³ آن روز زمین اخبارش را می گوید»⁴ زیرا پروردگارت به او وحی کرده است»⁵ در آن روز مردم گروه گروه بازمی گردند تا اعمال [تجسم یافته] شان [به صورت نعمت بهشت یا عذاب دوزخ] به آن ها نشان داده شود»⁶ پس هرکس هموزن ذره ای نیکی «کند، آن را می بیند»⁷ و [نیز] هرکس هموزن ذره ای بدی کند، آن را می بیند»⁸

قارعه: الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَّةُ ﴿١٠﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿١١﴾

آن حادثه کوبنده»¹ چیست آن حادثه کوبنده؟»² و تو چه می دانی آن حادثه کوبنده چیست؟»³ روزی که مردم [در سراسیمگی] چون پروانه های پراکنده اند!»⁴ و کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده [از هم باز] می شوند،»⁵ اما کسی که اعمال وزن شده اش سنگین [و با ارزش] است»⁶ در زندگی خوش و پسندیده ای است»⁷ و اما کسی که اعمال وزن شده اش سُبُك [و بی ارزش] است»⁸ پناهگاهش «هاویه» است»⁹ تو چه می دانی هاویه چیست؟»¹⁰ آتشی است بسیار پُر حرارت و سوزان!»

امام زمان (عج)

زیارت حسین (ع) در شب جمعه و امان از آتش دوزخ در روز قیامت خواهد بود